



اسرار

**سرمایه گذاری خارجی
یا تاراج سرمایه ملی؟**

تاریخ بار دیگر تجربه عظیمی را در عرصه مبارزه طبقاتی پیش روی تو ده های زحمتکش قرار داده است، تجربه ای که نه تنها در سطح ملی که در سطح بین المللی نیز صحت خود را بیخود ظاهر رسانده است. تو ده های مبارزه تجربه بعینه مشاهده کردند که هرگاه انقلاب هرچند در ابعاد بسیار توده ای صورت گیرد اما منجر یک قدرت از جانب کارگران و دیگر زحمتکشان نگردد، بعبارت دیگر تو ده هائیکه به نفس رژیم گذشته انگافورزند، هر رژیمی که از این گنمایند به بیروزی باشد و یا اقتضای از - خرد و بیروزی در وحدت با بیروزی به قدرت رسند، بر اساس منافع طبقاتی خود و بر زمینه ساخت اقتصادی موجود، الزام به بازسازی نظام پیشین میادرت خواهد نمود. تنها طبقه کارگراست که هم رسالت و هم توان در هم شکستن ماشین دولتی بیروزی یعنی ارتش و سیستم بوروکراسی را بردوش میکشد. بقیه در صفحه ۲

**آلترناتیو پرولتاری
و مسئله تصرف قدرت**

اما، اکثر قریب به اتفاق این مبارزات تو ده های فاقد رهبری سوسیال دموکراتیک است. خرد و بیروزی در کسرات (مجاهدین خلق) نیز به سبب اهمیت بقیه در صفحه ۳

جنبش انقلابی تو ده ای خیزش نوینی را آغاز کرد. است. ضمنی حرکت های اعتراضی در سرسره صودی خویش شتاب بیشتری گرفته و عمل مزدوران مسلح رژیم در جهت سرکوب این حرکتها و درهم شکستن شان، هرچند گاه نامطلوبی را در این مبارزات از سوی تو ده ها سبب میشود ولیکن آنها را به عکس العمل شدید تر و روی آوری به اعتراضات و مبارزات گسترده تر و از لحاظ محتوی انقلابی تر، سوق میدهد. وقه در مبارزات تو ده

هیاهوی بسیج برای...

این گرانی و نحوه ی مبارزه با آن نوشتند. سخنرانیها، در شهرهای مختلف در اعتراض به فشار گرانی بر تو ده های زحمتکش ترتیب دادند. به کند و کاو در امور پرداختند و "قوانین انقلابی" از ایماگانی بیرون کشیدند و اشد مجازات بقیه در صفحه ۳۹

هیاهوی بسیجی بر سر مبارزه با گرانی فروشی و اختکار بر راه افتاد. دستگاه های تبلیغاتی رژیم بحرکت درآمد و سخن نگویان رژیم حربه کهنه را دوباره به کمک گرفته اند. مثالاتی در باب گرانی و گرانی فروشی و اثرات آن بر جامعه انقلابی و علت

در این شماره

یادداشت های سیاسی

- I "خود کفائی"
 - II جنایتکار کیست؟
 - III برنج سرگردان در راه
 - IV هشدار به دانش آموزان
- در صفحه ۲۴

**در تدارک
قیام ⑤**

قیام و رهبری

زهبری "و جمعی سیاسی تدارک قیام را از نقطه نظر پشاهنگ بطور عام و علی الخصوص با توجه به شرایط خود ویژه حاکم بر دوران کنونی ایران بقیه در صفحه ۵

قسمت دوم: تدارک نظامی
تدارک قیام دارای دو وجه مهم پیوسته اساسی است. تدارک سیاسی و تدارک نظامی. در اولین بخش "قیام و

دریای خروشان می میزند. همه حاسبند است، سبز سبزه، انواع گل های رنگارنگ همانند ستاره ها از میان سبزه ها سوسومیزند کله گاوه های میت با گام های سنگین از برای روزانه سمت آغولهای آیند. نعره ی وطنین - نشان در آفاق می پیچد و شوریدگی هستی را اعلام میکند. پائین دست ماری سینه کوه اسپه های کهرشیه زن پامیکند و به کره های سی وحشی خود بقیه در صفحه ۱۸

**گردستان سرزمین
زندگی و مبارزه**
نزدیک غروب است. خورشید از لابلای کوه های بلند آهسته پائین می رود. کند مزارهای سرسبز از دست همچون

کمیته های مخفی اعصاب را برای برپائی یک اعصاب عمومی ایجاد کنیم

سرمایه گذاری . . .

بقیه از صفحه ۱

وقادریه بنای سیستمی نوین

است .

تجربه قیام ۲۲ بهمن و کسب قدرت از سوی رژیم بورژوازی جمهوری اسلامی نشان داد که چگونه ارتجاع سلطنتی بدست پرتوان تود مهاسرنگون گشت اما ارتجاعی دیگر متشکل از اقشار متوسط بورژوازی در وحدت باخرد و بورژوازی مرفه دیگر با پوششی مذهبی و اشعارهائی هرچند به ظاهر متفاوت براریکه قدرت نشست و بار دیگر همان شیوه های ضد خلقی چه در سیاستهای داخلی و چه در عرصه بین المللی متوسل شد . این امر نه بر اساس خواست توده ها که بر زمینه نا آگاهی توده ها بوقوع پیوست . میزان رشد ذهنی توده ها که جد از نقش پیشاهنگ انقلابی نمیتوانست باشد ، ارتجاعی دیگر را بر کارگران و زحمتکشان تحمیل کرد و همین دلیل این ارتجاع نبود که صرفا بنابر تمایلاتش توانست قدرت را قبضه کند و نقش رهبری برجسته یابد بلکه این توهم ناشی از نا آگاهی توده ها بود که بر زمینه آن ارتجاع رهبری خود را اعمال نمود . طبیعی بود که چنین رژیم بنابر ماهیت طبقاتی خود رسالتی جز بازسازی سیستم پیشین نمیتوانست داشته باشد .

شاید در آن روزها که شور قیام و پیروزی بر ارتجاع سلطنتی توده ها را فریخته بود معنی و مفهوم تد اوم سیاستهای رژیم گذشته توسط رژیم جمهوری اسلامی برای مردم محسوس و ملموس نبود و ویژه شعارهای فریادگاران " ضد امپریالیستی " رژیم اعمال جنایتکارانه اش را تحت الشعاع قرار میداد . از زمره این سیاستها و از جمله مهمترین آنها که مورد بحث مقاله است حفظ اسرار بازرگانی و پنهان داشتن قرارداد های اسارتی با امپریالیستی بود که هدف و مفهومی جز ادمه وتد اوم همان قرارداد ها را نمیتوانست داشته باشد اما امروز پس از نزدیک به ۵ سال از گذشت قیام ۲۲ بهمن و سرنگونی رژیم گذشته ، رژیم جمهوری اسلامی تمامی پرده های تزویر و ریاکاری کنار افکنده و باوقاحتی وصف ناپذیر رسماً از تجدید قرارداد های امپریالیستی سخن میگوید و آنرا تحت عنوان : " طرح جدید سرمایه گذاری خارجی در ایران بر اساس انتقال تکنولوژی " (اطلاعات ۶۲/۵/۹) اعلام میدارد . دانه لغزات رژیم بهمین جا خاتمه نیافته بلکه پارافراتر نهاد و مشخص میسازد که طی ۵ سال گذشته ۱۸۰ شرکت امپریالیستی همچنان

بفعالیت خود ادامه داد و دسترنج توده های زحمتکش را بتاراج برده اند و گویا اینک قرار است این شرکتها فعالیتش را شونده که در اس این شرکتها از لحاظ میزان سرمایه و این و از لحاظ تعداد ، امریکا قرار دارد و سپس انگلیس و فرانسه و ایتالیا و دیگر کشورهای اروپایی غربی قرار میگیرند .

البته رژیم برای خالی نبودن غیرضد و شوکه نشدن عقب مانده ترین توده های هدف رژیم جمهوری اسلامی از ادمه غارت - امپریالیستی با صرفاً " کسب تکنولوژی و دانش فنی آنها " قلمداد میکند . نگاهی به سیاست رژیم در مورد جنگونگی فعال کردن این شرکتها ، خود بیانگر ماهیت رژیم است که جز به استعمار خلق نمی اندیشد .

رژیم پس از تلاشهای بسیار و پرداخت غرامتهای گزشتن از جیب توده های زحمتکش موفق گشته است امپریالیستهارا متقاعد سازد که بفعال کردن هرچه بیشتر شرکتهای خود بپردازند . تنها نگاهی به میزان پرداخت غرامت در مورد پروژه پتروشیمی به ژاپن نشان میدهد که حتی میزان غرامت چندین برابر تعیین شده در قرارداد و در برگیرنده سود های سرشاری است که میبایست ژاپن طی چند سال گذشته به دست میآورد که بعلمت توقف پروژه منفی شده بود . رژیم نه تنها در مورد شرکتهای ژاپنی چنین بدل و خوششمنائی نمود بلکه با اعزاز هیئتی به امریکا و پرداخت غرامتهای هنگفت به انحصارات امپریالیستی آنان را نیز متقاعد به ادمه فعالیت نمود . اما گویا در قلموس جمهوری اسلامی ، پرداخت غرامت های عظیم به انحصارات بین المللی و در روزگی از آنان برای ادمه فعالیتشان سرمایه گذاری محسوب میشود .

اما این نه سرمایه گذاری خارجی که پولهای غارت شده خلقهای ایران است که از طریق فروش ارزان بی رویه نفت تقدیم امپریالیستها شده است تا آنان را در آرزای این باج ردهی به فعال کردن شرکتهاشان وادارد . رژیم بر این تصورات که با فعال نمودن شرکتهای امپریالیستی ، قادر خواهد بود بر بحران عمیق اقتصادی - سیاسی فائق آید و از طرفی چنین وانمود سازد که گویا از انجمن ثباتی برخوردار است که امپریالیستها حاضر سرمایه گذاری در ایران شده اند و حال آنکه حتی کوچکترین محموله کالاهای امپریالیستی قبل از دریافت نفت و یا ارز لازم اجازه صدور به ایران نمی یابند . اما اینک که حتی در این حد که با پرداخت غرامتهای گزاف و حراج منابع عظیم داخلی ، امپریالیستها حاضر به همکاری با رژیم بی ثباتی چون رژیم جمهوری اسلامی شده اند خود مرهون خدمات ارزنده ایست که رژیم حاکم در جلب آنان بانجام رسانده است .

از یکسو رژیم برای اثبات سرسپردگی خود طی ۵ سال حکومت تنگنیش با توسل به فاشیستی ترین شیوه های ممکن - سه سرکوب سازمانهای انقلابی مدافع کارگران و زحمتکشان و سرکوب توده های مستعبدیده ای که باشکستن توهمنشان نسبت به رژیم سه مبارزه انقلابی روی آورده اند و سرکوب خلقهای قهرمان کرد ، ترک ، ترکمن ، بلوچ و عرب دست زده است و علاوه بر آن با کمک به ارتجاعی ترین جنبشهای منطقه سیاست ایجاد " کمربند سبز " مورد علاقه امپریالیزم را به پیش برده است و از سوی دیگر با گسترش مناسبات اقتصادی سیاسی نظامی با کشورهای تحت سلطه امریکا نظیر ترکیه و پاکستان تحت پوشش کشورهای مسلمان و همسایه ، میزان خدمت گذاری خود را به امپریالیزم نشان داده است .

بی جهت نیست که در کنفرانس ویلیامز بزرگ سران ۷ کشور امپریالیستی تصمیم به حمایت از رژیم ایران میگیرند و ژاپن پیشبرنده سیاست فوق میگردد . یعنی امپریالیزم امریکا در پوشش ژاپن وارد ایران میگردد . زیرا که امپریالیزم امریکا و انگلیس انقدر در از هان توده ها رسوا شده اند که بلحاظ ملاحظات سیاسی حاضر نیستند حضور مستقیم یابند اما امپریالیزم ژاپن هنوز انطور که باید برای مردم افشانشده است . هنوز بخش وسیعی از توده ها در نیافته اند که شرکتهای چند ملیتی وطن نمیشناسند و سرمایه مالی در سطح بین المللی از هر طریقی که وارد حوزه سرمایه گذاری شود ، سود های سرشار آن بجنب انحصارات بین المللی سرانبر میشود در این میان چه کارشناسان و مستشاران ژاپنی سازمانده این استثمار باشند چه تکنوکراتهای امریکائی یا اروپائی و باید و ن حضور کارشناسان بطور مستقیم این استثمار سامان یابد مسئله جذب ارزش - اضافی از هر طریق ممکن برای امپریالیستها مطرح است . حال اگر همچون طرح اخیر خود سرمایه نیز از طریق پرداخت غرامتها یعنی از جیب توده های زحمتکش باشد منافه امپریالیزم صد چند ان تامین میگردد اما نکته دیگر قابل بحث مسئله اعلام رسمی این خیر از سوی رژیم است .

شاید اعلام رسمی این خبریضا هر حرکت جدید و مستگیری علنی و عریان و بیخوشی در سیاستهای اقتصادی رژیم برای اندسته از عناصری جلوه کند که مسائل را در سطح می بینند حتی در این میان اگر چند عنصر حجتیهای از کابینه خارج نمیشدند جریاناتی نظیر حزب توده و اکثریت قویانرا " سیاست جناح حجتیه " میخواندند و با جریانات معتقد به " شکست انقلاب " آنرا فاشیستی در جهت اثبات تحلیلهای بی محتوای خود منی بسر تثبیت رژیم می یافتند . اما واقعیت اینست که اولاً این حرکت بقیه در صفحه ۹

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



آلترناتیو...

بقیه از صفحه ۱

درجه دومی که بنابه خصلت طبقاتی اش نسبت به جنبش انقلابی و مستقل توده ها و سازماندهی آن تاکنون داده و به پیچیده نتوانسته است در این حرکتها نقش مهمی ایفا کند. ویژگی خودبخودی بودن حرکتهای اعتراضی و نبود باضعف مفرط عنصر پیرو در این حرکتها، بنحوی بارزی مشهود و عمده است.

علیرغم اینها، جنبش کارگران و زحمتکشان میهن ما هر روز گسترش بیشتری یافته و تداوم بخش انقلاب است. این روند بسر بستر بحران شدید اقتصادی که از اواخر رژیم شاه در انگلیس مستم سرمایه داری - وابسته ایران گردیده و هر روز به روی آوری - توده های وسیعتری بهارزه منجر میگردد. بحرانی که بسبب سیاستهای اقتصادی متناقض جناحهای حاکم و نیز ضرب جنبش انقلابی و پیچیده تر شده و بطور کم نظیری به حیات خود ادامه میدهد و امروز ابعاد بسیار وسیعی بخود گرفته است. جنگ ارتجاعی نیز ضربات هولناکی به اقتصاد کشور وارد آورده است و از این رو چنانکه بارها گفته ایم (و در اینجا مجال تحلیل دقیق آن نبوده و اینکار مستلزم برخورد جد آگاهانه است) تحت رژیم کنونی حیات بحران ممکن نیست متحقق شود. امکان هرگونه رفاهی که مجال تثبیت برای این رژیم را با همین ترکیب فراهم آورد منتفی است و همانطور که در "حرقه های انقلاب" گفتیم سیاستهای سرکوبگرانه رژیم نیز تدریجا به ضد خود بدل میشود.

این وضعیت یعنی عجز رژیم در حلال بحران و در سرکوب جنبش توده ای، تصویری بجز سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را به عنوان محتفل ترین چشم انداز و ترسیم نمیکند. مسئله ای که خود سردمداران حکومتی نیز در اینها و آنجا با احتیاط اعلام کرده و هشدار داده اند. هشدار از زوئی که توده ها بخوابانها بریزند و "همه چیز به پایان رسد".

در این میان تداوم بحران، طلبه ای و دیگری جنبش و ضربات کوبنده کنونی آن شدت یابی تغاد های دورنی رژیم بر این بستر نیز یاد آور فرارسیدن محسوم ریزی است که "طبقات پائین نخواهند به

طریق سابق بزندگی ادامه دهند و طبقات بالا هم نتوانند"، "خواست ورنج طبقات تحت ستم از حد معمولی خارج نشود"، "فعالیت توده ها بطور قابل ملاحظه ای افزایش باید و در زمان تلاطم بوسیله همه شرایط بحران و بوسیله خود طبقات بالا بعمل مستقل تاریخی کشیده شوند". (۱) - معیارت دیگر موقعیت انقلابی فرا رسد و آمادگی عوامل عینی برای يك انقلاب رارقم زند. البته ماهیت تا آمادگی تام و تمام این شرایط و وصول کامل به این مرحله فاصله داریم ولیکن چشم انداز محتمل بنظر از این نیست. موضوع حائز اهمیت، آمادار اینجا اینستکه فرارسیدن موقعیت انقلابی (موقعیتی که بدون فرارسیدن آن انقلاب غیر ممکن است) با آمادگی عوامل

ذهنی ("آمادگی قدرت طبقه انقلابی برای به انجام رساندن طبقات توده ای انقلابی) برای متحقق کردن انقلاب پیروزنده همزمان و تکمیل خواهد شد یا نه؟

اینکه بدانیم رژیم کنونی محکوم به فساد است (چه نوع فساد و تاجه حد؟) - مسلما مهم است ولی معضراتیخ به این پرسشهاست که:

آیا طرف سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و بطور کلی پیروانی از - اینکه قدرت پیش میروم؟ آیا ادامه قیام پیروز مندی که این سرنگونی انقلابی رارقم زند، تا بد انجام خواهد رسید که آلترناتیو پرولتاری در این مرحله از جنبش (جمهوری دموکراتیک خلق) راهپایه ریزی کند؟ یا اینکه باز هم جریاناتی دیگر و از راه رسیدگانی دیگر، از تحولات انقلابی و قیام صلح توده ها بهره خواهند جست، بر مبنای جنبش سوار شده و در حالیکه کارگران و زحمتکشان در خیابانها در کارخانه ها، در روستاها و... فد اکارانه بیکار میکنند و جان می یازند، دزدانه و آرام بقدرت خواهند خند و میاز هم انقلاب نیمه کاره خواهد ماند؟ آیا آلترناتیوی چون به اصطلاح "شورای ملی مقاومت" فرض - دست یافتن بقدرت، امکان تثبیت دارد؟ آیا بن بست قدرت رژیم جمهوری اسلامی، بمعنای بن بست کل پیروانی تحت همه و هرگونه شرایط آتی است و آیا کودتا احتمالی منتفی شده است؟ و...

مسئله سوالات فوق اهمیت فوق العاده خطیری برای يك کمونیست دارند. برای کمونیستی که نه فقط قصد تحلیل و تفسیر اوضاع بلکه مصم به تغییر دادن آنست. نه چون تماشاگری بی تفاوت، بل چون رزمنده ای بیگانه در راه آرمان کارگران و زحمتکشان. به یقین يك کمونیست در -

دوران انقلابی که روند تحولات سمت يك موقعیت انقلابی فراموشیده، میبایستی آلترناتیو پرولتاری خویش را بنخواهد و برای آن کار کند. در این ننگه هیچ چون بجرائی مجاز نیست. اما کمونیستی که تنهابه آید و ها و اهداف انقلابی و سوسیال دموکراتیک فکر کند ولی از تجزیه و تحلیل دقیقاً مشخص اوضاع سرپا ززند و از سنجش عوامل عینی و ذهنی له و علیه مبارزه ای که در راستای آن اهداف در جریان است و محاسبه توان سازمان و حزب خویش و طبقه ای که نمایندگی اش را اعداد دارد، طفره رود، اصولا يك کمونیست نیست. يك خرد و بیروای آید و البته است و چنین نحوه برخورد به مسئله به پیچیده نمیتواند روش کار ما قرار گیرد (اگر میخواهیم کمونیست باقی بنامیم) از این رو ما تجزیه و تحلیل مشخص خود را از بررسی آلترناتیوهای مطرح شده توسط جریانات سیاسی طعی تصرف قدرت، آغاز میکنیم.

چنانکه گفتیم، مسئله مهمی که همه بآن باور دارند، چه سلطنت طلبان ضد انقلابی و چه کمونیستها و سایر انقلابیون راستین، سرنگونی جمهوری اسلامی، به عنوان محتفل ترین چشم انداز است.

اما، در قبال چگونگی این سرنگونی و آنچه (آن حکومتی) که باید جای این رژیم را بگیرد، راه حلهای گوناگون ارائه میشود. در حقیقت اگر میخواهیم محتفل ترین آلترناتیو - ها را کاتالیزه نمائیم در یکی ترین خطوط مادر اینجانبه راه حل یا آلترناتیو که توسط گرایشات طبقاتی مختلفی پیش کشیده شده (و البته الزام معنای این نیست که هر سه راه حل، امکان تثبیت کامل داشته باشند) مواجهیم:

- الف - آلترناتیو ضد انقلاب سلطنت طلب (مغلوب و در جریان توخان انقلابی و قیام ۵۷) و ضد پنهان.
- ب - آلترناتیو با اصطلاح "شورای ملی مقاومت".
- ج - آلترناتیو پرولتاری (جمهوری دموکراتیک خلق).

این سه آلترناتیو به راه حل، در واقع در مقابل بن بست قدرت رژیم جمهوری اسلامی مطرح هستند و راه برون رفتن را از بن بست کنونی و بحران جامعه و نشان میدهند و با عبارت صحیح تر میخواهند نشان دهند. هر يك از سه راه حل مذکور، چنانکه گفتیم منبعث از خط مشی طبقاتی مشخصی است و میتوان گفت مادر مجموع یا سه خط مشی (یا بظا هر یاسه خط مشی) روبرو هستیم خط مشی پیروانی بزرگ سلطنت طلب خط مشی بقیه در صفحه ۴

کمپنه های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

اتلاف لیرال - دگرانیك و خط مشی پرولتاریا.

الف - خط مشی و آترناتیو ضد انقلاب سلطنت طلب مغلوب

این جریان اساساً متشکل از بهرژوازی بزرگ، امرای ارتش، ساواکیها و سایر عوامل رژیم گذشته است که در جریان سرنگونی رژیم شاه از قدرت بریز افتاد و از ابتدا اوستور مشخص در مقابل انقلاب (بنابه ماهیت خوش) ایستاد و تمام توانش را در سرکوب جنبش انقلابی توده ای بکار گرفت و در این راه نقطه اتکانش ارتش و بوروکراسی بود. عواملی که بعد هائیکه تصمیمات کفرانگیز گروالوب و مخاطر جلوگیری از آزاد یکالیزاسیون جنبش انقلابی سال ۵۷ و در شرایطی که امکان دست زدن به کودتا و سرکوب کامل جنبش غیر عملی تشخیص داده شد، به سازش با رهبری خرده بهرژوا - بهرژوائی جنبش تشویق شد تا زمینه انتقال قدرت به آنها را بنظر بدست آوردن رنگه تنفسی برای تجدید قوای ارتش فراهم سازد که قیام سلحشانه مجالشان نداد و ضربات مهمی به

ارتش و بوروکراسی وارد آورد و جنبش را از دستاوردهای مستحکم نیروهای گاهبگهای ارزشمند تری جهت تدایم انقلاب علیه رژیم جمهوری اسلامی و علیه بهرژوازی بزرگ سلطنت طلب برخوردار ساخت. بهرژوازی هنگام بطرق مختلف، نفوذ در ارگانها و نهاد های حساس حکومتی و بهرژو تلاش در بازسازی کامل ارتش برای ایفای نقش بیشتر در حیات سیاسی کشور را هدف خود قرار داد و حتی چندین بار (از جمله نوه)

نیروی خود را برای کسب مجدد قدرت مورد آزمایش قرار داد که البته به توفیق دست نیافت و همین عدم موفقیت ها آنان را به ضرورت تلاش برای بازسازی بیشتر ارتش متوجه ساخت. جنگ ارتجاعی (علاوه بر مزایای دیگری که در توسعه زمینه گسترش امکانات مداخله امپریالیست ها در حیات سیاسی و اقتصادی جامعه داشته) بیشترین کمک را به آنان در راستای این هدف نمود. تعامی کوشش این جریان در این جهت قرار داده شده تا ضمن همکاری با رژیم خمینی برای سرکوب کمونیست ها و سایر انقلابیون (از طریق ارتش و نیروهای انتظامی، عوامل ساواک و...) در همین حال بر سر ترشده ناراضی توده ها نسبت به رژیم کمونی هرج و مرج و ناامنی موجود و خود را مطرح سازند و رژیم شاه را در آن ها زنده کنند. اما از آنجا که طرح آترناتیو این جریان مستلزم عدم وجود

جنبش توده ای انقلابی است و آنان از تعامی وسایل ممکن بهرژو از طریق تبلیغات گسترده را در پوها و بخش شایعات و... تلاش میکنند نوبی خودی تقاتی سیاسی رابه توده ها القا و بر آنها حاکم گردانند. شایعات متعدد در مورد تغییر رژیم در ظرف دو ماه دیگر (دو ماهی که نزدیک به چهار

آترناتیو...

بقیه از صفحه ۳

سال است دوام یافته!)، "توسیع" پیوسته های رضا پهلوی در شهرها و روستاها به دیوار، هواگردن بالن، افلا میه سلطنت طلبی!، عملیات سلحشانه ایوسی و آریانا و... در ضرب کشور دست آخر تحریف در زمین شعارهای توده ها در مبارزاتشان بنفع شعارهای سلطنت است - طلبی (نمونه آضیه) و... (که خود رژیم نیز برای تخطئه جنبش توده ای و - مبارزات انقلابی توده ها به - آنها را امن میزند) همه و همه در راستای بخانه بازگرداندن توده ها از هر صه مبارزه و ایجاد انتظار تغییر از بسالا (کودتا و...) و مکانیزمی هاری از حرکت مستقل سیاسی توده ها است تا ضمناً بدین وسیله از نیروی زمینه های رشد نیروهای کمونیست و انقلابی نیز جلوگیری گردد. البته هر چند که این جریان فعلاً به راه حل کودتا و بعضی اطمینان از دستهای به نیروی سرکوب لازم جهت به اجرا گذاشتن آن و همچنین افول روحیه مبارزه جمعی در توده ها، گرایش دارد ولیکن به هیچوجه راه - حل های دیگر در جهت اعمال نفوذ بر حیات جامعه از هر طریق ممکن (در صورت عدم امکان دستیابی کامل بقدرت) را برای خود نخواهد بست.

بهرژو طیف رنگارنگ این رژیم بهرژوازی بزرگ مغلوب را میتوان در چهارچوب همون آترناتیو دسته بندی کرد که خواهان بازگشت بحق، احیای "نظم" بهرژوائی گذشته بر بستر روابط سرمایه داری وابسته یعنی سرکوب جریان و حاکمیت مطلق

بهرژوازی بزرگ و انحصارات امپریالیستی تحت عنوان حمایت از "قانون اساسی ۱۹۰۶" و برقراری سلطنت مشروطه است. پیوسته نیست که تمام فشار آمریکا و سایر امپریالیست ها در جهت متعذر کردن این طیف رنگارنگ (هر چند در اساسی مشترک النظر) برای دفاع از این آترناتیو بوده و بهمن طریق فریبکاران کهنه کار و حرافسی چون شاپور بختیار (مرغ توفان!) از - "توفان" آترناتیو "سوسیال دگرانی" خود دست برداشته و با اعضای بیانیسه

مشترکی با علی امینی با "جلب حمایت از شهبانو! فرح و کوشش رضا پهلوی تنها راه" "نجات" "ملت" و "امجاد" "شرف و حیثیت و اعتبار" "آزاد را احیای سلطنت و برقراری حکومت سلطنت مشروطه دانسته است. البته باید توجه داشت که بهرژوازی بزرگ، همانطور که گفتیم تنها بر روی شکل سلطنت برای تصرف قدرت مجدداً حساب نمیکند ولی این شکل را ترجیح میدهد.

ب - خط مشی لیرال - دگرانیك و آترناتیو شورای ملی مقاومت

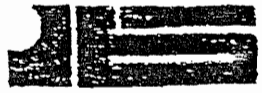
در یک روند جدایی و دور شدن نمایندگان سیاسی دگرانیهای خرده بهرژوا (مجاهدین خلق) از دگرانیسم انقلابی که ناشی از بازیگری طبقاتی خرده بهرژوازی در ارائه یک خط مشی پیکرو مستقل در - اقتصاد و سیاست است و بر سر ترشده چپ انقلابی (کمونیست ها) و در راستای آن سازمان ماکه از خود توانائی لازم جهت جذب خرده بهرژوازی را بسوی خود بریز نمیدان (ضربات مهلك اپورتونیست های اکثریت را تجربه میگرد) و نزدیکی دگرانیهای خرده - بهرژوا (مجاهدین) به بهرژوازی لیرال (بنی صدر و شرکا) بیشتر و بیشتر شده. و سرانجام "میثاق" این دو بصورت "اتلاف شورای ملی مقاومت شکل گرفت. "میثاق" که در پیام مورخ ۳۰/۴/۶۰ رجوعی، رهبر - مجاهدین، بعنوان "برنامه شورا" و برای

"نجات" "استقلال" "آزادی و جمهوری اسلامی" تلقی گردیده، در حقیقت یک برنامه بهرژوا - رفرومیستی بود و چنانچه از متن آن نیز برمی آید چیزی جز پیاره ای اصلاحات بهرژوائی در چهارچوب نظام موجود نبود و فقط یک شکوائیه علیه تخطی مقامات رژیم از قانون اساسی ارتجاعی جمهوری اسلامی و نه نقی خود این قانون و رژیم، بشمار میرفت. پیوسته نبود که در سر آترناتیو ۱۱ ماده ای حتی یک مورد نیز بکارگران و دهقانان ایران اشاره نشده و از خواستهای برحق آنان سخنی در میان نبود. بجز رو - برنامه اولیه و سنگ بنای "شورا" انقدر

رسو بود که سرعت طی صاحبه هائسی، اصلاحاتی بر میثاق از سوی رجوعی اعلام شده. اصلاحاتی چون "لغو قانون اساسی خمینی" و اضافه کردن کلمه "دگرانیك" بعنوان جمهوری اسلامی (چه تغییرات مهمی؟!) بخیزله آترناتیو پیشنهادی این "شورا". گرچه در همان صاحبه ای که چنین مطالبی اعلام گردید، در مقابل این پوشش که قانون اساسی آینده ایران چه وضعی خواهد داشت ایشان "میثاق" بنی صدر را شایسته و تعیین کننده خطوط اصلی این محتوا اعلام نمود! (۳)

سر انجام نیز در پی انتقادات و رسوائی بیشتر، برنامه دولت موقت جمهوری دگرانیك اسلامی مطرح گردید که تاکنون و هنوز به عنوان "برنامه آترناتیو" شورای ملی مقاومت مطرح است.

البته بقول لنین به هیچوجه نییایستی برای بی بردن ماهیت یک جریان (غیر پرولتاری) بگفتارها و آن چیزی که خود این جریانات میکنند باور داشت و با برنامه هایی که گاه بگاه مطرح میکنند نمیتوانند بسهولت و با یک چرخش قلم سخن قبلی را تغییر دهند ولیکن ارزیابی ما از آترناتیو "شورا" حتی بر اساس بررسی همین "برنامه" اعلام شده خودشان



قیام و ...

بقیه از صفحه ۱

بررسی کردیم. تدارك نظامی قیام نیز درست بر اساس همان شرایط و مختصات که در مورد تدارك سیاسی قیام مطرح نمودیم استوار است. اصولاً تفكك تدارك قیام به سیاسی و نظامی، آنگونه که ما در اینجا برای بیان مطلب انجام داده ایم، در عمل مبارزاتی بطور مشخص مبرر نیست. این دو وجه از تدارك قیام نه بصورت مجزا و کاملاً مستقل از هم، بلکه در رابطه مستقیم و مشخص با یکدیگر و نیز در رابطه مستقیم با یکدیگر و بر اساس قانونمندی های حاکم بر مبارزه طبقاتی قابل تبیین و اجراء است. اگر در هنگامه برپایی قیام مسلحانه، عملیات نظامی پیشاهنگ و توده ها به عامل سلط و تعیین کننده بدل می شود و از اینرو تدارك نظامی اهمیت و درجه تعیین کنندگی خود را در سرنوشت قیام ملموس میازد. اما همواره در طول پروسه تدارك قیام، لزوماً وجه نظامی تدارك دارای نقش سلط و تعیین کننده نیست. رابطه بین این دو وجه و اهمیت نسبی هر يك، در هر پره از دوران تدارك قیام، متبوع است به مشخصات و مرحله تکاملی جنبش انقلابی توده ها و اصولاً تدارك قیام هیچ معنایی نمی تواند داشته باشد بجز شرکت در این جنبش انقلابی و حرکت در جهت ارتقاء رهبری آن.

قیام مسلحانه نقطه اوج جنبش انقلابی توده هاست، تدارك مبارزه سیاسی بشکلی دیگر و عالی تر است. اگر احتمال وقوع استثنائات را بکنار بگذاریم، علی القاعده بدون گذار از این شکل عالیتر مبارزه سیاسی، یعنی قیام مسلحانه، سرنوشت رژیم کهن ناممکن است. تفاوت بین انقلابیون کمونیست و اپورتونیست ها هم از نقطه نظر بحث حاضر به همین مسئله بر میگردد. انقلابیون کمونیست با تکیه بر قاعده و اپورتونیستها با تعمیم استثنائات احتمالی که تاکنون هم بوقوع نبیوست است، تاکتیکهای خود را در پیشبرد

جنبش انقلابی توده ها بعمل در میآورند. اما انکار ضرورت قیام مسلحانه در همه موارد به همین صورت بی پرده بیان نمی شود. نوع پوشیده اپورتونیسم، ضرورت قیام مسلحانه را منکر نمی شود، اینان با بیان اینکه بهر حال و در نهایت قیام مسلحانه ای هم بوقوع خواهد پیوست، بظاهر صف خود را از صف اپورتونیستهای علنی جدا میازند. اما در واقع امر جنان قیام را به امری انتزاعی و مربوط به فردا های دور بدل میازند، که به هیچ اقدام و تدارك فوری و علنی در راستای برپایی قیام مبادرت نمی ورزند و یا آنرا ضروری تشخیص نمی دهند. وبدین ترتیب اینان در عمل، صرفنظر از گفتارهای آتشین در مورد نقش قهر در تاریخ و یا حتی صرفنظر از نیت واقعی، در کنار اپورتونیست های علنی قرار میگیرند. اکنون نیروهای سیاسی معتقد بکشته شکست انقلاب صرفنظر از هر برهان و دلیلی و نیز هر نیتی عملاً در زمره و جایگاه این جریان اپورتونیستی قرار دارند.

قیام مسلحانه نقطه اوج جنبش انقلابی توده هاست و از این جهت نمی تواند صرفاً به معنای عملیات نظامی باشد، لیکن اگر قیام را حتی فقط از همین جنبه صرفاً نظامی نیز بررسی کنیم، عملی نمی باشد و بی نظم نیست. بلکه تدارك مبارزه طبقاتی در دوران انقلابی است که در لحظه مناسب (لحظه قیام) بنا به قانونمندی هایی که قابل شناخت و پیش بینی است، می تواند به وقوع بپیوندد. تفاوت بین رهبری انقلابی و جنبش خود بخودی توده ها هم در همین موضوع نهفته است. توده ها طی مبارزات خود و از طریق تجربیاتی که در عمل مبارزاتی کسبی کنند به ضرورت اعمال قهر انقلابی و برپایی قیام آگاه میشوند. رهبری انقلابی با آگاهی از این ضرورت و تبلیغ این ضرورت بین توده ها برای روزی که نبرد مسلحانه قطعی با ارتجاع فرا میرسد به تدارك میبرد از نبرد.

از نقطه نظر پیشاهنگ پرولتاریا و نیز هر نیروی انقلابی که بتواند به قیام به مثابه يك فن، يك هنر، بخرد، تدارك نظامی به معنای اقدام به عمل مسلحانه قطعی به

منظور بر انداختن نیروی و بلاواسطه رژیم کهن نیست. تدارك نظامی و عملیات نظامی خود در ارتباط با تدارك سیاسی و مبارزات سیاسی است و در کل پروسه تدارك قیام عمدتاً تابع الزامات تدارك سیاسی میباشد. این نقش تبعی به هیچ وجه مفید نمی باشد با کم اهمیت بودن این جنبه از تدارك قیام نیست، بلکه تنها قانونمندیهای حاکم بر آن را عیان ساخته و با شناخت از این نقش تبعی و این قانونمندیها امکان ظهور انحراف به چپ و راست را در تاکتیکهای دوران تدارك قیام تقلیل میدهد.

در اینجا اشاره به دو نکته در مورد چگونگی تدارك نظامی از یکسو و همچنین اهمیت نسبی آن در لگ پروسه تدارك قیام از سوی دیگر ضروری مینماید: اولاً تدارك نظامی صرفاً به عملیات نظامی محدود نمیشود. عملیات نظامی فقط بخشی از تدارك نظامی را تشکیل میدهد. اینکه عملیات نظامی به چه میزان، با چه درجه ای از پیشرفتگی، چگونه و با چه مضمونی از سوی پیشاهنگ و نیروهای انقلابی باید مرحله اجراء در آید، به مختصات جنبش انقلابی توده ها در هر لحظه مشخص و پیر این مینا به وظیفه امر رهبری در جهت ارتقاء جنبش توده ها در راستای قیام و برپایی قیام بستگی تام و تمام دارد. پیشاهنگ تاکتیکهای مبارزاتی از جمله عملیات مسلحانه را اختراع نمیکند بلکه با غور در جنبش توده ها، وضعیت خود ویژه جامعه، جمع بندی از تجربیات، تعمیم این تجربیات به موارد قابل تطبیق و پیش بینی وضعیت و حرکت جنبش از طریق علمی به اتخاذ تاکتیکهای مشخص دست می یابد. اتخاذ هر گونه تاکتیک، از جمله عملیات نظامی به مثابه بخشی از تدارك نظامی قیام که بر سبنای شرایط پیش گفته شده استوار نباشد، می تواند با به انزوای پیشاهنگ و نیروهای انقلابی منجر شود (تاکتیکهای "چپ")، و یا پیشاهنگی به مثابه نیروی عقب مانده از حرکت تکاملی جنبش از پس توده ها و یا در بهترین حالت در کنار آنها به پیشرو (تاکتیکهای راست) و در هر دو حالت امکان رهبری انقلابی بر جنبش زایل شود. از این جهت

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اغتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



تاکتیکهای نظامی
به مثابه بخشی از تدارک قیام باید
بر مبنای شرایط پیشتر گفته شده
و با کمال دقت، حساب شده و
برنامه ریزی شده اتخاذ شود.

قیام و . . .

بقیه از صفحه ۵

مثال دخالت امپریالیسم در ویتنام
السالوادور، نیکاراگوئه و . . .
سبب شده است که قبل از آنی که
انفجار توده ای به شکل قیام
سلحشانه سراسری خود را بنمایاند
دوره ای از جنگ سلحشانه طولانی
مدت را اجتناب ناپذیر گردانند.
و یا اکنون در گروستان بر زمینه
مسئله ملی، و بدون اینکه شرایط
در سایر نقاط ایران برای مسلط
شدن عملیات سلحشانه
سارزات توده ها فراهم شده باشد
جنگ سلحشانه شکل اصلی
سارزات را تشکیل دهد.

پس پيشاهنگ موظف است که در
دوران تدارک، عوامل بالقوه مؤثری
که مبارزات توده ها را احاطه
کرده و تحت شرایط خاص می تواند
بالفعل شده و شکل اعمال قهر
را تحت تاثیر قرار دهد، بحساب
آورده و برای آن مهیا شود. بجز
این، اما، تجربه سال ۵۷ تا
قیام بهمن ماه و از آن پس تا
کنون می تواند در وجه عمده
مؤید این موضوع باشد که تا قبل
از لحظه قیام مبارزات سیاسی (در
وجه عام) بر نظامی مسلط خواهد
بود. تدارک نظامی به تبع و حول
تدارک سیاسی جریان خواهد
داشت.

اکنون تدارک قیام برای سرنگونی
رژیم جمهوری اسلامی با آنچه که
در سالهای ۵۶ و ۵۷ میتوانست
صوت پذیرد از بعضی لحاظ
متفاوت است و در مجموع در سطح
کیفی بالا تری قرار دارد. اگر در
آن سالها توده ها از حساب
رخوت بار چندین ساله رکود
سیاسی بر می خاستند و از این
لحاظ تجربه نزدیک و ملموس از
مبارزه انقلابی بر علیه حکومت را
دارا نبودند، اما اکنون با کوله
باری غنی از تجربیات، از تظاهرات
قهر آمیز گرفته تا جنگ و گریز
سنگر بندی خیابانی، دفع قهر
آمیز تهاجمات نیروهای سرکوبگر
و . . . و بالاخره قیام
سلحشانه، مترصد فرصت مناسبند.
اکنون بر بستر کشاکش انقلاب و

این عملیات نظامی
پيشاهنگ مسلح نیست که میتواند
و باید مبارزه فعال توده ها را
برای قدرت بر انگیزاند، بلکه
انگیزه های عظیم انقلابی توده
های تارگر است که باید عملیات
نظامی واحد های پيشاهنگ را
تحریک نماید. پيشاهنگ باید
در نتیجه انگیزه های انقلابی
توده ها دست به عمل بزند
(بر طبق نقشه ای قبل از هر
جهت روی آن کار شده). عامل
نظامی صرف هر نقشی هم که
در قیام داشته باشد، یا این
همه از این نقطه نظر، یک نقش
ثانوی است. انگیزه های عظیم
انقلابی توده ها باید پایه
اجتماعی، ستون اجتماعی و
سیاسی را برای عملیات نظامی
متهران، پرورش و قاطعانه
واحد های پیشروی پرولتاریای
انقلابی که مصمم به خرد کردن
ماشین حکومت پوزروازی است
تشکیل دهد. (قیام
سلحشانه، از اسناد کمترین)

ثانیا آنچه در اینجا در مورد
نقش و اهمیت نسبی تدارک نظامی
و عملیات نظامی تصویر شده و می-
شود تنها در چهارچوب خطوط
عمومی و بدون احتساب عواملی
است که بر شکل بروز قهر تاثیر
میگذارد. تحت این شرایط آنچه
که متصور است نقش مسلط تدارک
سیاسی و مبارزه سیاسی بر تدارک
نظامی در کل پروسه تدارک قیام
است. اگر چه این تسلط بنا به
چگونگی جنبش انقلابی توده ها
خود نیز دستخوش تغییرات کمی
میرد و با فرا رسیدن لحظه
قیام عملیات نظامی بر اساس آنچه
که در " فن قیام" بیان کردیم به
عامل مسلط جنبش انقلابی بدل می
شود، اما عوامل متفاوت می توانند
بر چگونگی این روند موثر واقع
شوند. فیلا در مقاله "نقش قهر
و اشکال قهر" بوجود این عوامل
تأثیر مستقیم و دخالت امپریا-
لیسم و غیره و نیز چگونگی مؤثر
واقع شدن این عوامل بر شکل
بروز قهر، برخورد کردیم. بعنوان

ضد انقلاب، بر بستر نقی همگانی
و قطعی رژیم جمهوری اسلامی
و یا توجیه به تحریکات حاضر
و آماده توده ها در مقاله بالا
نیروهای سرکوبگر، غلبان خشم
توده ها لزوماً نه با گذراندن
مراحل مقدماتی طولانی مدت
بلکه بصورت انفجار های متوالی
و فراروشی سریع سارزات به قیام
سلحشانه کاملاً محتمل است. این
احتمال قریب به یقین نمی تواند
بر تاکتیکهای عمومی پيشاهنگ به
طور کلی و در این محت شخص
بر چگونگی تدارک نظامی تاثیر
نگذارد. علاوه عم اکنون بحران
انقلابی آنچنان حاد است و
وضعیت جامعه در چنان حالت
انفجار آمیزی قرار دارد که همه
یا اکثریت قریب به اتفاق اعتراضات
سارزات، حرکتها و تضادها با
اعمال قهر صورت میگیرد. در کار-
خانه و مزرعه، در محله و خیابان
و در همه جا قهر به انواع گوناگون
رخ مینماید. قهر تا بدانجا به
بیشتر تاخته است که جناحهای
درون حاکمیت نیز از طریق آن
مفزی برای حیات می یابند؛ برخورد
های سلحشانه دسته های رقیب
در اصفهان و فلاورجان، انفجار
در انبارهای مهمات سپهگاه
یاسد اران و . . .

اکنون قهر بی پرده و غریبان جز
زندگی روزمره توده ها شده است.
اعم از قهر انقلابی که در اینجا و
آنجا بوقوع می پیوندد و یا قهر
ضد انقلابی ارتجاع که جامعه را
در خود فرو برده است. شاید در
کمتر زمانی از تاریخ اخیر ایران نقش قهر
برای توده ها اینچنین بی سرده
و ملموس بوده است. تنها زهر
می تواند مسائل بزرگ تاریخ را
حل کند. این حکم ریکر برای
توده ها تا حد بسیار زیادی
روشن است. اما این را نیز باید
متذکر کرد که " زهر سازمان یافته
در سارزات، امروزه معدنهای
ازمان نظامی است. " قهر عمدتاً
انقلاب سازمان یافته است،
ارتش، پلیس، کمیته ها، سپهسالار،
سین، ژاندارمری و دسته های
اضطراری حزب الله. در مقابل،
قهر انقلابی نیز باید حتی الامکان
سازمان یافته شود.

اکنون حصول به قهر انقلابی
سازمان یافته سازمان نظامی
انقلابی . . . بقیه در صفحه ۷

هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای منرفی و انقلابی



قیام و...

بقیه از صفحه ۶

بدرجات مختلف قهرآمیز نشان داده است. جوخه های رزمی ضمن شرکت در این درگیریهای قهرآمیز خود را برای نبرد بزرگ آتی آماده میسازند. در این باره پرولتاریای آگاه بین المللی نیز بارها تجربیات خود را در موارد مشابه (و نه الزاماً منطبق با آنچه که اکنون در ایران - جریان دارد) تشریح کرده است. پرولتاریای آگاه ایران با تکیه بر شرایط خود ویژه کنونی می تواند و باید بر دستاوردهای بین المللی نیز تکیه بزند. ایجاد تشکیلات نظامی نظیر جوخه های رزمی، نه تنها بر اساس الزامات مبارزه طبقاتی موجود ضرورت وجودی خود را بر نیروهای انقلابی تحمیل میکند، بلکه تجربیات پرولتاریای جهانی در موارد مشابه نیز ضرورت ایجاد سازمانهای رزمنده مشابهی را تأکید میکند. لنین در جزوه جنگ چریکی درباره سازمانهای رزمی سوسیال دموکراتها میگوید:

«کاملاً طبیعی و اجتناب ناپذیر است که شورش باید شکل عالیتر و پیچیده تریک جنگ داخلی طولانی که تمامی کشور را در بر میگیرد بخود بگیرد، یعنی یک مبارزه مسلحانه بین دو بخش از مردم. چنین جنگی قابل تصور نیست مگر اینکه یک سری از درگیریهای بزرگ در فواصل نسبتاً طولانی و تعداد زیادی از برخوردهای کوچک در خلال این فواصل صورت گیرد. در این صورت و فقط در این صورت سوسیال دموکراتها باید این را مطلقاً وظیفه خود بدانند که سازمانهایی بوجود آورند که به بهترین نحوی برای هدایت توده ها در این درگیریهای بزرگ و تا آنجا که ممکن است در این برخوردهای کوچک سازگاری داشته باشند.»

اندک ولی به لحاظ سازمانیافتگی در امور نظامی توانست در قیام فعلاً نه شرکت کرده و در حشد توان خود به سازماندهی و پیشبرد آن بپردازد. ساده انگارانه خواهد بود اگر این تأثیرگذاری را فقط بخواهیم به دسته های منضبط و تعلیم یافته و در عین حال محدود فدائیان خلق خلاصه کنیم. در روزهای قیام دسته های انبوهی از توده ها پای به میدان مبارزه مسلحانه می گذارند که متشکل و سازمان یافته نیستند. این توده بی شکل و عمدتاً فاقد آمادگی نظامی درمحول نیروهای متشکل با آمادگی رزمی گرد می آیند و آنان را در عمل به رهبری برمیگزینند. راز موفقیت و تأثیرگذاری فدائیان در قیام در این پیوند بین تشکیلات نظامی (فعلاً به شکل آن نمیشد) و توده های بی شکل بود.

بنا بر این هر نیروی واقفانه انقلابی که بر پائی قیام مسلحانه مجدد خلق را پیش بینی می کند نمی تواند در دوران تدارک قیام مجدانه برای بسط و گسترش تشکیلات نظامی جهت تربیت کادرهای نظامی رهبری کننده قیام (از نقطه نظر فن جنگ، فن قیام) اقدام نکند. ایجاد، بسط و گسترش تشکیلات نظامی و تربیت کادرهای رهبری قیام وظایفی چون برای پیشاهنگ در دوران تدارک نظامی است. بی شک چگونگی تشکیلات نظامی در رابطه مستقیم با شرایط خود - ویژه جامعه قرار دارد. اما این شرایط شکل سازماندهی را تعیین میکنند، و نه ضرورت آنرا در دوران تدارک.

مآثر مبنای شرایط خود ویژه جامعه، با توجه به عواملی که جامعه را احاطه کرده است، سازماندهی جوخه های رزمی را برای پیشبرد وظایف کنونی و نیز برای تربیت کادر رهبری قیام در دستر کار قرار داده ایم. ما اکنون بین دو نبرد بزرگ قرار داریم. قیام بهمن ماه و قیام مجد رآتی توده ها برای درهم پیچیدن طومار نئوین جمهوری اسلامی. کشاکش انقلاب و ضد انقلاب از همان فردای ۲۲ بهمن خود را در یک سری از تنازعات

به کدامین طریق میسر است؟ در اینجا نیز پیشاهنگ نمی تواند اشکال سازماندهی نظامی را از خود اختراع کند. اما پیشاهنگ می تواند و باید با غیر در تجربه ها و فاکتورهای معین امر سازماندهی را از دل تجربه ها و فاکتورهای بیرون بکشد، و با توجه به شرایط هر مهم ترین آنها تأکید ورزد. بر این اساس، با توجه به اشکال مبارزاتی نیروهای انقلابی و توده ها طی ۶ سال گذشته، یعنی در طول پروسه شکل گیری قیام، در قیام، از قیام تا ۳ خرداد و از آن زمان تا بحال، می توان در اینجا و فعلاً به برخی از مهمترین دستاوردهای تجربی در جهت حصول به قهر سازمانیافته انقلابی اشاره کرد: تشکیلات نظامی سازمانها و احزاب سیاسی، کمیته های مقاومت و کاردهای سرخ کارگری، کار درون نیروهای سرگرم رزم جهت تشدید انشقاق و جذب نیروها و واحد - های انقلابی به صفا انقلاب، و بالاخره پایگاههای پارتیزانی در مناطق آزاد شده.

تشکیلات نظامی سازمانها و احزاب ضرورتی است که در کلیه برآمدهای بزرگ تاریخی خود را عیان نموده است. هر جا که مبارزه طبقاتی به مراحل حاد و سرنوشت سازی رسیده است، از یکطرف لزوم وجود تشکیلات نظامی را بعینه آشکار کرده است و از یکطرف امکان وسیعی که نیروهای انقلابی قبلاً سازمانیافته در امور نظامی برای تأثیرگذاری بر جنبش توده ها و احتمالاً کسب رهبری بدست می آورند را نشان داده است. هم اکنون مبارزات انقلابی جاری در امریکای مرکزی اهمیت تشکیلات نظامی را در پیشبرد انقلاب و نقش نیروهای انقلابی سازمانیافته در امور نظامی را در امر رهبری جنبش روشن میسازد. در اینجا نیز قیام مسلحانه بهمن ماه تجربه ای ملموس در این زمره بحساب میاید. کافی است که فقط به نقش و تأثیر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در روزهای قیام نظر بیافکنیم تا اهمیت این مسئله آشکار گردد. سجداً با وجود نیروی

در شرایط کنونی جوخه های رزمی آن بقیه از صفحه ۸

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

تشکیلاتی هستند که وظیفه هدایت توده ها در درگیریهای متفاوت با حکومت را به عهده دارند. این جوخه ها از طریق شرکت فعال در مبارزات قهر آمیز توده ها و سمت و سوز دادن به این مبارزات در راستای قیام، از طریق محافظت و دفاع از تظاهرات، از طریق ارائه تاکتیکهای مناسب برای دفع نیروهای سرکوبگر رژیم در اجتماعات و غیره از یکطرف و نیز مراقبت از مراکز حساس سازمان انقلابی (چاپخانه، توزیع، ...)، توزیع مسلحانه اعلامیه، چسباندن پوستر، صادره های مجاز برای برافروندن نیازهای مبارزاتی، تشبیه و تشویق های مجاز نیروهای ارتجاع بر زمینه مبارزات انقلابی توده ها و ذهنیت آنان و تا آنجا که به اعتلاء مبارزات در راستای قیام منجر شود، ... از طرف دیگر وظایف گنونی تشکیلات نظامی را به پیش میبرند و در حین این عملیات خود آبدیده شده و کادر های فرماندهی قیام را تربیت می کنند.

اما جوخه های رزمی در وجه عام، تشکیلات نظامی سازمان سیاسی است. یعنی تشکیلاتی است که مستقیماً یا از سوی سازمان ایجاد میشود و پس از هواداران سازمان به تشکیل آن مبادرت می ورزند. این جوخه توانائی و رسالت جذب توده ها در خود را ندارد. پس توده ها را چگونه باید برای برپایی قیام سازماندهی کرد؟ با توجه به شرایط گنونی اختتانی امیز حاکم بر جامعه و بر اساس تجربیات سال ۵۷، سازماندهی توده های می تواند از طریق کمیته های مخفی اعتصاب (کارخانه) و کمیته های مخفی مقاومت در محلات، مدارس، پارکها، روستاها و ... انجام یابد. در اینجا اشاره مجدد به سه موضوع قبلاً مطرح شده ضروری می نماید. اولاً تفکیک تدارک سیاسی از نظامی در عمل نامیسر است. این امر بویژه خود را در مورد وظایف کمیته ها نشان میدهد. بنابر این طرح کمیته ها در بخش تدارک نظامی صرفاً روشی است انتزاعی بر این بیان موضوع، ثانیاً عملیات نظامی بخشی از تدارک نظامی است که تنها در روزهای قیام بر جنبه های دیگر تدارک و مبارزه مسلط میشود. از اینرو وقتی از وظایف کمیته ها در مورد تدارک نظامی بحث به میان میاید، صرفاً منظور عملیات

قیام و ...

بقیه از صفحه ۷

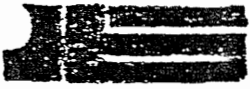
مسلحانه نمی باشد. ثالثاً گفتیم که در شرایط متعارف در طول پروسه تدارک قیام، تدارک نظامی حول تدارک سیاسی انجام می یابد، بعبارت دیگر مبارزه سیاسی بر نظامی مسلط است. این امر در وجه عام نیز در مورد وظایف و رسالت کمیته ها صادق است.

جنبش انقلابی در سال ۵۷ نمونه های مختلفی از تشکیل خود - انگیخته این کمیته ها را، هر چند در بیشتر مواقع بصورت نطفه ای و یا ابتدائی عرضه داشت. این کمیته ها بعلت خصلت دمکراتیک حاکم بر آنها، به مثابه قطب جذب بیشترین طبقات و اقشار انقلابی در پروسه تدارک قیام عمل نمود. اکنون می توان با تکیه بر دستاوردهای عظیم سازماندهی خود انگیخته در سال ۵۷، با توجه به شرایط گنونی، آگاهانه در تشکیل این کمیته ها دخالت انقلابی کرد و پروسه تشکیل آنرا تسریع نمود. پیشاهنگ بمنظور دخالت انقلابی در جنبش توده ها بمنظور کسب رهبری بر جنبش توده ها و قیام نمی تواند فقط به "سازماندهی خود برای انقلاب" بسنده کند. این محدوده تنگ سازماندهی امر رهبری را نامحتمل میسازد. قیام کار توده ها است. و برای این امر باید توده ها را در راستای قیام، در راستای اهداف انقلابی قیام بسیج و سازماندهی کرد. کمیته ها آن ارگانهایی هستند که از طریق آن امکان سازمانیابی وسیع توده ای فراهم میشود. اگر چه اکنون بدلیل شرایط اختتاتی، این کمیته ها بعلت اجبار در مخفی بودن، تنها قشر نازکی از مبارزترین و آگاهترین نمایندگان هر طبقه و قشر انقلابی و مترقی را بنا به موقعیت کمیته و صرفنظر از اعتقاد مسلکی در بر میگیرد، اما از طریق همین کمیته ها بیشترین نیروی توده ای امکان جذب و سازمانیابی می یابد.

جنبش انقلابی توده ها در مراحل از رشد، خود سبب تشکیل خود انگیخته این کمیته ها است. سال ۵۷ اینچنین بود. اکنون پیشاهنگ با درک علمی از این روند، و با دخالت انقادی موجود

تسریع و تشکیل آگاهانه کمیته ها میشود. اما این دخالت نه در خلاف، بلکه در جریان مبارزات می تواند صورت بگیرد. در تظاهرات قهر آمیز کارگران بندر انزلی، در جنگ خونین ترکمن صحرا، در مبارزات بیگاران، در دفاع قهر آمیز از دانشگاهها، در اعتصابات و اعتراضات توأم با بکارگیری قهر در کارخانجات، در مبارزات خارج از محدوده، در افسرینه، در تظاهرات قهر آمیز ضد جنگ در دزفول و ... و در هر کجا که مبارزه هست و در هر کجا که توده ها هستند. تمامی این مبارزات تعزین نبرد بزرگ آتی است. تدارک سیاسی - نظامی قیام است. توده ها بر بسطیاری از دستاوردهای مبارزاتی قیام بهمن ماه تکیه دارند، آنها را در مبارزات جاری بکار میگیرند و راهها و روشهای جدیدی را در پیکار یا نیروهای سرکوبگر رژیم بسط آزمایش می گذارند و تجربه میکنند. کمیته ها تا حدود بسیار زیادی تضمین تداوم حرکتها، جلوگیری از گسست، بسیج بیشترین نیروها در یک راستای مشخص و گلاشکیلاتی است که تدارک قیام از آن طریق منسجم تر و سیستماتیزه تر به پیش میرود. کمیته ها اعم از کمیته های مخفی اعتصاب و مقاومت اگر چه در بدو شکل گیری بنا به شرایط موجود مخفی هستند، ولی با رشد جنبش انقلابی، به تشکیلات توده ای ارگان قیام بدل میشوند. از اینرو اگر در یک تصویری انتزاعی (ودر عین حال محتمل) کمیته ها به مثابه ارگانهای مسلط بر حرکات توده ای عملکرد یابند، رهبری قیام از طریق رهبری کمیته ها رقم می خورد.

جنبه بسیار مهم دیگری از تدارک قیام، فعالیت انقلابی در میان نیروهای نظامی حکومت است. از آنجا که در قیام مسلحانه ریاروشی مستقیم جنبش انقلابی با حکومت مستقیماً و بلاواسطه از طریق رویا - روشی با نیروهای نظامی صورت می پذیرد، هماتگونه که شناخت از توان نیروهای انقلاب برای عمل مستقیم را ضروری میگرداند، شناخت از توان، روحیه و امکانات دشمن نیز ضروری میشود. توان نیروهای انقلاب برای دست زدن به قیام مسلحانه، نه بطور مطلق، بلکه با توجه به توان ضد انقلاب برای سرکوب حرکتهای توده ای نیز ارزیابی میشود. در اکثر قریب به اتفاق قیام هایی که تا کنون در جهان صورت یافته در صفحه ۱۷



آلترناتیو . . .

بقیه از صفحه ۴

نیزه تا حد زیادی میتوانست
اطلاعات گرانبهای بدست دهد .

ما، هر چند در گذشته بارها به مفاد این
برنامه برخورد کرده ایم ولیکن در اینصورت
بخطرات اهمیت بحث و بنظر ایجاد امکان
مقایسه آلترناتیوهای مطرحه، بهترین
پنجگانه " برنامه " این آلترناتیو را
صمیمانه تا آنچه بعنوان هدف و آلترناتیو
منفی لبرال - دموکراتیک (ائتلاف نامند -
گان سیاسی خرد و بیوزاری و بیوزاری
لیبرال) اعلام گردیده، ماهیت و حدود
برنامه ها و تغییرات پیشنهادش بکمک و
زمان همین برنامه مشخص گردد. البته،
صرفاً بهترین محور ها را انتخاب کرده و از
پرداختن و ارائه جزئیات پرهیز نموده ایم.

۱- حفظ اساس ارتش و قوای نظامی و
انتظامی بهمان شیوه گذشته :

در چارچوب این آلترناتیو، ارتش
و قوای انتظامی بیوزاری حفظ میشود در
برنامه از " تجدید سازمان مردمی ارتش "

شکامل ترین شکل اداره امر کشور است
برصغیر و ولیکن شهرهای دوگانه (تصمیم
گیرنده و شورشی) مطرح نموده ماهیت
واقعی و مبتذل این نظام شورشی را
اشکار میازند . شهرهای تصمیم گیرنده
برای چه ؟ برای اداره امور شهرها و شهرها
های شورشی که " صرفاً نقش شورشی داشته
و با حفظ حق و بیوفایی اصل حق لغو
انتصاب و . . . و یا . . . عبارتند بگر
شهرهای بی بوسی خاصیت و هیچگاه که
تا حد مازاد ارگانهای فرمانی و شورشی
فاقد هرگونه قدرت تصمیم تنزیل می یابند و
دستگاههای دیگری که در حقیقت همان
بورژوازی است، تصمیم گیرنده میشوند .
از همین امروز نیز برای جلوگیری از هرگونه
فعالیت و تفکر آزادانه و مستقل سیاسی توده -

ها و جلب شدن آنها بسوی کمونیسم
در چارچوب این " شهرها " هشدار داده
شده است : " دولت وقت (جمهوری
دموکراتیک اسلامی) اجازه نخواهد داد که
شهرها و همچنین سایر مجامع انتخاباتی
صنوعا (صنوعا از نظر اینان معادل بسا
ابتکار مستقل توده هاست) با اعمال خدعه

و تقلب (!) ، آلت فعل هیچ گروه ، حزب
سازمان و حتی دولت حاکم گردند ! این
درست بمعنی حفظ کامل بورژوازی و نفس
کامل اراده مستقل توده هاست و ترازه
" دولت " بقیه در صفحه ۱۱

صحت میشود از اینکه " انضباط پولادین
آن آگاهانه و نه گمگورانه " است ولی برای
" پائین ترین رده های " این ارتش فقط
" حق انتقاد " ! " محفوظ است و در -
انتصابات نتیجه ! انتصابات) مختلف
و تأیید صلاحیت فرماندهان شان " مورد
" مشورت " ! قرار میگیرند . یعنی حد اکثر
نهی نظرخواهی بوروکراتیک که بهیچوجه
نمی تواند تصمیم گیرنده و صاحب قدرت -
تصمیم و اجرا باشد . از قدرت اداره امور و
انتخاب فرماندهان نیز توسط پرسنل انقلابی
ورده های پائین ابتدا سخنی در میان
نیست . بنابراین ماهیت امفاهای
" آموزشی نظامی تمام مردم " و . . . بهیچوجه
توجه به نکات فوق و اینکه این برنامه از
" پیوند ارتش و مردم " (توجه ! پیوند ارتش
بعنوان یک ارگانیم جدا از مردم با مردم)
و " ارتش در خدمت خلق " و نه ارتش خلق
توده ای صحبت میکند ، آشکار میگردد . یعنی
در مجموع ارتش کنونی - مگر با بهره ای تصفیه
- ها - باقی خواهد ماند و فقط از " انحلال
کمیته و سپاه " صحبت بهمان می آید .

۲- در " برنامه " نه تنها ارتش بلکه
در کارکنان دستگاه بوروکراتیک و اداری موجود
عده تا به همین شکل حفظ میگردد و هر چند در
اینجا به معیارهای " هان بونگ " نظامی شورشی

سرمایه گذاری . . .

بقیه از صفحه ۲

سرمایه نبود بلکه تنها بخشی از غزاهای
پرداختی رژیم برای فعال شدن شرکتهای
امپریالیستی موجود بکار گرفته شده است و
ثابتاً نفس این حرکت نیز روند منطقی اما کام
بکام سیاستهای ضد انقلابی رژیم از بسد و
کسب قدرت در جهت بازسازی سیستم
پوسیده گذشته بوده است این روند یعنی
تجدید قرار اد ها با موازات شکستن توهم
توده ها هم سریعتر گشته و هم آشکارتر
اعلام شده است .

اگر اکنون بدلیل روشن شدن ماهیت
رژیم در آن زمان توده ها و دانشجویی روز افزون
تأرضاتی توده ها و موازات آشکار و انقلابی
آنان رژیم دیگر ضرورتی در پنهان داشتن ن
روابط اقتصادی سیاسی نظامی و . . . با
امپریالیستهای بیند این امر نشانه تغییر
سیاستهای رژیم نیست . چرا که تزویر و ریا
فرب و نیرنگ تحت پوشش مذ هب و شعارها
سی " ضد امپریالیستی " ، برندگی و کارسازی
خود را مدتهاست از دست داده است دیگر
در آن شعارهای تو خالی " مرگ بر آمریکا "
که تا آنقدرترین توده ها را می فریفت میوای -
رویزیونیستهای توده ای و اکثریتی تو میایی
در نهایت از رژیم پدید می آید سوری شده
است . اگر رژیم تا در نزد عمدتاً در مقابل

آن پس امپریالیزم تلاش قطعی خواهد کرد
تأرضاتی را که از لحاظ استراتژیک تضمین
کننده و منافعی باشد جایگزین رژیم کمونیستی
نماید . رژیم که از نظر ژئوپلیسی کاملاً
منطبق بر زمینهای موجود ایران باشد .
طبیعی است که دریافت غزاهای کیلان
از سوی امپریالیستها صرف بخشی از آن در
جهت فعال نمودن شرکتهای تابعه خود
در ایران از آنرو که عمدتاً در راستای منافع
طولانی مدت امپریالیزم نیز قرار میگیرد بکار
گرفته شده است .

اما، توده ها، کارگران و زحمتکشان با
مبارزه انقلابی خود همه یا اثرها و بیانی
- های امپریالیزم را در هم می شکنند . اگر
در نخستین انقلاب ، توده ها نا آگاهانه
بضد انقلابی دیگر تکین گردند اینبار اما
در روند گسترش مبارزات انقلابی خود با
استفاده از تجربه اولین انقلاب و با ایمن
درس ارزنده که هر حاکمیتی بجز حاکمیت
کارگران و زحمتکشان بنا بر ماهیت طبقاتی
خود به بازسازی سیستم موجود حوصل
گشته و منافع بیوزاری و امپریالیزم را تا همین
خواهد کرد ، با تدارک انقلابی دیگر، خربه
نهائی را بر دیگر امپریالیزم فرود و روزوال
جهانی و پایگاه داخلی سرمایه داری -
وابسته فرود خواهند آورد و جمهوری
دموکراتیک خلق ، جمهوری دموکراتیک
کارگران و زحمتکشان را مستقر خواهند
ساخت و اولین گام را در جهت استقرار
سو سیالیسم فراهم خواهند نمود .

نیروهای انقلابی قرار داشت ، امسروز
رود رویی توده های زحمتکش قرار دارد که
پس از سال از انقلاب خونین خویش ،
دست آوردی جز فقر و فلاکت ، بی خانمانی و
بی مسکنی ، بیکاری و فلاکت عمومی ند آرند .
رژیم ناتوان از پاسخگویی به نیازهای
توده ها و غرقه در گرداب بحران همه جانبه
اقتصادی سیاسی چاره ای جز در تزویراتی
چه بیشتر در پیشگاه امپریالیسم جهانی
نی بینند اما تحلیل این نکته نیز ضروریست
که چرا امپریالیزم در اوج بی ثباتی و در راستای
سقوط رژیم حمایت بیشتر از رژیم را در دستگیر
قرار داده است . چرایی این مسئله نه از آن
روست که این رژیم رژیم قابل تثبیت و
در برگیرنده تمامی منافع بلند مدت
امپریالیزم است . بلکه این حمایت از آنجا
ناشی میشود که رژیم جمهوری اسلامی از
دیدگاه امپریالیزم در مقطع کنونی مطلوبترین
رژیم در سرکوب انقلاب و خاستن رژیم
در تقویت جنبشهای ارتجاعی منطقه و
تضعیف جنبشهای انقلابی منطقه است .
این امر منافع کوتاه مدت امپریالیزم را کاملاً
تأمین میکند . اما ، از آنجا که این رژیم خود
بحران زاست و علیرغم تمایلش قادر نیست
سیستم سرمایه داری وابسته به انحصارات
امپریالیستی را بصورت مطلوب انحصارات
بین المللی بازسازی نماید ، رژیم تا حد آنجا
میرد حمایت همه جانبه امپریالیزم جهانی
تزارخواهد گرفت که رسالتش در سرکوب
جنبش سراسری و همچنین جنبش انقلابی
خلق گردد که اینک فعالترین جنبش
توده ای در منطقه است با انجام رسد . از



موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی
از دید آقایان چگونه خواهد از "الت
فعل" نیدن خواهد بدست خودش جلوگیری
کند؟ آیا این هم از همان پرگونی ها و
شماره های توخالی نیست؟

۳- حفظ کامل سیستم کنونی سرمایه
داری وابسته و فقط اصلاحات نیم بند در
چارچوب همین سیستم:

در برنامه از تغییرات اساسی در سیستم
اقتصادی اجتماعی موجود خبری نیست و در
سراسر برنامه حتی یکبار اشاره ای هم به
صادره سرمایه های وابسته داخلی و

سرمایه های امپریالیستی و صنایع بزرگ و ..
نمیشود و ادعای "الغنا" ضایعات کمپرادوری
در شرایطی که از بدبختی "سرمایه داری و -
بازار ملی (!)" مالکیت شخصی و خصوصی و
سرمایه گذاری فردی (!) فرد را قلمرو و

القائیان و .. جطور؟! نیز سخن رفته و
تنها شرط اینست که این سرمایه های فردی
(!) "نامحدود" نباشند! (آیا کسر
سرمایه را قلمروها هم بالاخره در جایی محدود
نمیشود؟) ، و همچنین آنجا که گوشه چینی
به غرب نشان داده میشود و حساب ویژه ای
برای تمایلات مردم و نیروهای واقعی
دموکراتیک کشورهای صنعتی (حتما منظور
افعال متران هاست!) باز میگردد، دیگر
ادعاهای پرگونیانه "حفظ استقلال و "الغنا"
ضایعات کمپرادوری رنگ میبازد و همه
اینها نشانگر عدم انجام هرگونه تغییر اساسی
در ساخت و سیستم اقتصادی - اجتماعی و
در نتیجه حفظ وضع موجود در اساسی است.

۴- "آزادی" برای همه!

آزادی مطروحه در این برنامه حتی به
هیچگونه اعمال محدودیت یا فشاری برای
استثمارگران منجر نمیشود:

"آزادی" در همه روابط اجتماعی و
سیاسی و وفاداری و اعتماد دموکراتیک را
جانشین اعمال قهر میبازد" (چه ادعای
بشردوستانه ای!) یعنی هیچ سخنی از
اعمال قهر علیه استثمارگران نیست بلکه
صحت بر سر آزاد نمودن آنها در استثمار
کارگران است. این "آزادی" باز هم پس
از تجربه رژیم جنایتکار اسلامی کنونی، نوعی
حکومت مذهبی را که "به اعتقاد مسلمانان
راستین (مجمع در شورای ملی مقاومت!)
آزاده خد از انبیا و پیغمبره اجتماعی اساسا و
تاریخا، از طریق ان (دولت موقت ج. د. ر. د.)
بظهور میباید" نبیذ! میدهد. و ده
داخلت مذهب در دولت یعنی دهه ای که
نفی هرگونه آزادی و دموکراسی است.

۵- رفرمهای نیم بند و بوروکراتیک در

آلترناتیو . . .

بقیه از صفحه ۹

مورد حقوق و خواسته های کارگران و زحمتکشان

در برنامه از بسیاری حقوق کارگران در
این مرحله خبری نیست (چون . . ساعت
کار در روز تعطیل در هفته و بسیاری دیگر)
آنجا هم که "حق اعتصاب" بر رسمیت
شناخته میشود تا آنجائی است که اعتراض
"سالمت اصم" و "وبا" اعلام قبلی! باشد.

در مورد خواسته های دهقانان نیز نه
شوراها و کمیته های دهقانی مجری هرگونه
اقدامات انقلابی بلکه نوعی اصلاحات
بوروکراتیک و از بالا رده میشود.

ملیت های تحت ستیم نیز به "قومیت های
محلی" ، یعنی مفهومی بی محتوا و نامعلوم
تبدیل میشوند و خود مختاری اقطاوسی
"شورای ملی مقاومت" زحمتکشان ملیتها
را بالا جبار و نه به خواست خود و بطور
در اطلبانه تحت حاکمیت دولت مرکزی محصور
میکند و از رسمیت شناسی "حق ملیت ها در
تعمین سرنوشت خویش" طفره میبرد.

و

در مجموع این آلترناتیو با طرح مفاهیم
پرگونی های کلی و عاری از مشخصه صمیمیت
طبقاتی "حاکمیت ملی و مردمی" (که ماهیت
طبقاتی "بهره ورا" لیبرال - خرده بهره ورائی
آزادگیه کارگران و زحمتکشان لا پوشانی میکند)
نهی "دموکراسی بهره ورائی" بسبب غریبی
سرو دم بریده ای را بر مردم رنده میدهد
در حالیکه بانفی حرکت مستقل توده ها و
اعمال آزاد ه شان از طریق شوراها، کنترل
کارگری و . . و بالعکس با حفظ ارتش و

بوروکراسی بعنوان ارکان سیستم بهره ورائی
و حفظ اساس سیستم اقتصادی - اجتماعی
موجود میبخواهد توده ها را به یک سراب
آبیم سرایی که از آن مدای کامیوسای
و پیکانتهای سرمایه از هم اکنون بگوش میرد
دلخوش کند.

سلاچنین آلترناتیو و شی لیبرال -
دموکراتیک مربوطه به هیچ وجه نمیتوانست در
نحوه تصرف قدرت نیز خود را نشان ندهد.
توسل به تورور فردی و عملیات و انتقامی ،
بلانکیسم و تصرف قدرت از بالا و خلاصه
شوره هایی جدا آویدن آنگاه به توده ها و
حرکت مبارزاتی مستقل آنها (در مورد این
روشهای تصرف قدرت در گذشته صحبت
شده و در اینجا بهر رو مجال تشریح بیشتر
آنها نیست) .

ج - خط منی پرولتاریا و آلترناتیو
پرولتاری

آلترناتیو نهایی و هدف فائمی کمونیستها

بعنوان پیشاهنگ پرولتاریا، که بر اساس
نقش و وظیفه تاریخی این طبقه تعیین شده
تصرف قدرت سیاسی توسط پرولتاریا، از
طریق یک انقلاب قهری و سرنگون سازی
قدرت بهره ورائی و استقرار پیکانتهای پرولتاریا
و حصول سوسیالیزم بخزله فاز ابتدائی
جامعه کمونیستی است. ضرورت این الزامی
مبارزه طبقاتی به استقرار پیکانتهای پرولتاریا
و سوسیالیزم، خود بعنوان گذاری بسوی
نابودی هرگونه طبقه جامعه فارغ از -
طبقات است. پرده ای که طی آن خود
دولت دیکتاتوری پرولتاریا ضرورت وجودی
خود را در ریح از دست داده و زوال میباید.

هدف دیگری برای کمونیستها و

پرولتاریا وظیفه و هدفی در خود وابستایی
بلکه مرحله ها و گامهایی است که در فراسوی
این هدف بزرگ تاریخی و حصول بسوی
سوسیالیزم و کمونیزم ضرورت یافته و تلقی
میکرد. کمونیستها پرولتاریای ایران نیز
نمیتوانند جز این میباید باشند، هدفی جز این
نداشته باشند و در رسیدن به هدفها و
خواسته های مرحله ای، مبارزه فردا، مبارزه
برای سوسیالیزم را از نظر دور دارند و باید در
این راستا عمل کنند.

از سوی دیگر اگر انجام این وظیفه تاریخی
(استقرار سوسیالیزم) در دوران بهره ورائی
امکان تحقق نداشت و با ورود سرمایه داری
بمرحله امپریالیزم بعنوان سرمایه داری در
حال احتضار، یعنی در دوران انقلابات
پرولتاریائی، وظیفه تاریخی استقرار
دیکتاتوری پرولتاریا و سوسیالیزم بعنوان
یگان آلترناتیو استراتژیک پرولتاری در ایجاد
تاریخی - جهانی امکان عملی تحقق یافته
است. هرچند که این وظیفه تاریخی با
تولد پرولتاریای نهن از مدتها پیش بر روش
پرولتاریا قرار گرفته .

اما آیا بدبختی امکان عملی تحقق این
آلترناتیو نهایی پرولتاریائی در ابعاد تاریخی
- جهانی میتواند در هر مورد مشخص نیز
(از جمله در ایران) بعنوان یک امکان عملی
و فزوی مدافق داشته باشد؟
بقول لنین "استناد (یکجانبه) بحقیاس
تاریخی - جهانی در مسئله سیاست مشخص
فاحش ترین خطای تئوریک است" . (۳)

در اینجا، در هر مورد مشخص نیز
سیاستی شرایط برای تحقق وظیفه و هدف
اساسی مذکور، آماده باشد و مهمتر از همه
پرولتاریا سیاستی بقیه در صفحه ۱۲

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

آلترناتیو . . .

بقیه از صفحه ۱۱

و اعمال اراده و حاکمیت مستقیم کارگران و زحمتکشان در قالب شوراهای معنوی ارگانهای مقننه و مجریه:

تمام دستگاه بوروکراتیک برجسته شده و اراده توده ها از طریق شوراهای کارگران و زحمتکشان بعنوان نهاد های مقننه و مجریه هر دو اعمال خواهد شد. این شوراهای تضمین کننده عالیترین و آزادانه ترین شکل و مکانیزم رشد و ارتقا حرکت و تفکر مستقل سیاسی توده ها، بیزه طبقه کارگر در - راستای دفاع از دستاوردهای انقلاب و - مبارزه در راستای سوسیالیسم خواهند بود. از آنجا که سیستم انتصابی پارح اراده و منحرف مستقل توده ای مابینت دارد، کلیه مقامات کشوری و . . . بر اساس سیستم انتخابی بوده حقوق این افراد معادل دستزد یک کارگر ماهر تعیین شده و همواره و هر لحظه، این مقامات و حتی تا حد نمایندگان انتخابی توده ها که مقامات دولتی را در اختیار دارند، توسط کارگران و زحمتکشان انتخاب کنند. قابل عزل میباشند. این نمایندگان از طریق مکانیزم شوراهای انتخاب خواهند شد. ضمناً امور قضائی نیز از طریق دادگاههای خلقی به پیش خواهند رفت و سیستم قضائی کنونی ضلح خواهد شد.

۳- کنگره شوراهای نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر اقشار خلقی به منزله عالیترین ارگان تصمیم گیرنده:

عالیترین ارگان تصمیم گیرنده در جمهوری دموکراتیک خلق ایران کنگره شوراهای نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر اقشار خلق خواهد بود که تبلیغ کنند و واقعی اراده توده های زحمتکش میباشند.

۴- اقدامات اساسی در راستای بسر انداختن سلطه امپریالیزم و قطع وابستگی:

کلیه قراردادهای اسارتبار امپریالیستی لغو و مفاد آن افشاء شده و کلیه صنایع و موسسات متعلق بسرمایه داران وابسته و انحصارات امپریالیستی، نهاد های مذهبی، صنایع بزرگ و . . . صادره و ملی شده و بده اداره حکومت انقلابی درمی آیند. در صنایع و موسسات دیگر از طریق شوراهای کارگری، کنترل کارگری اعمال خواهد شد. البته این کنترل کارگری بهیچوجه محدود و بده اینگونه واحد هاننده بلکه در واحد هائی که از سوی حکومت انقلابی، اداره میشوند نیز کنترل کارگری اعمال خواهد شد، تاجران امور نمایندگان منتخب توده ها در حکومت تحت کنترل کامل قرار گرفته و امکان تخلفی نیابند. این کنترل کارگری که از سوی ارگانهای نظیر کمیته ها و شوراهای کارگری اعمال میشود، در ابعاد بقیه در صفحه ۱۳

و اهداف متفاوت (بناهمتن)، بخاطر همه این عوامل، از یکدیگر مقابل پرولتاریا و کمونیستهای ایران وظیفه انجام بلاواسطه فوری یک انقلاب دموکراتیک توده ای و نه سوسیالیستی یعنی برقراری جمهوری دموکراتیک خلق قرار گرفته است. خط مشی و آلترناتیو پرولتاری و در نتیجه چنین هدفی را در این مرحله دنبال میکند. وظیفه این انقلاب و این جمهوری، زمینه سازی و آماده کردن کلیه پیش شرط های عینی و ذهنی و ایجاد انجمنان تمایز آگاهانه در روابط طبقات است که یک مبارزه آگاهانه و متمرکز و مستمر از سوی اکثریت جمعیت یعنی پرولتاریا و نیمه پرولتاریا بر هبیری طبقه کارگر برای متحقق کردن سوسیالیزم فراهم نماید. این جمهوری زمینه ساز و آغازگر پروسه تحولی انقلابی است که تحت رهبری طبقه کارگر سوسیالیزم فرا خواهد رویشد.

ضمون طبقاتی جمهوری دموکراتیک خلق دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی کارگران و زحمتکشان است. این انقلاب بهیچوجه یک مرحله مجزا نبوده و در یک روند پروسه واحد بر هبیری طبقه کارگر مرحله سوسیالیستی فرا خواهد رویشد، بیروزی واقعی و نهائی اهدای این انقلاب در گرو این فراروشی است. سرعت حرکت و فراروشی از انقلاب دموکراتیک به سوسیالیستی، از دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی کارگران و زحمتکشان به دیکتاتوری پرولتاریا، وابستگی به نیروی پرولتاریا خواهد داشت.

۵- ما از انقلاب دموکراتیک و درست مطابق با میزان نیروی خویش، یعنی نیروی پرولتاریا سی آگاه و مشکل به انقلاب سوسیالیستی گذر خواهیم کرد، ما هواداران انقلابی و قوه - ایم، در نیمه راه توقف نخواهیم کرد.

اما، بهترین اقدامات و ویژگیهای جمهوری دموکراتیک خلق ایران چیست؟

۱- انحلال ارتش، پلیس، سپاه و کمیته ها و کلیه نیروهای مسلح حرفه ای مجزا از مردم:

ارتش و کلیه نیروهای نظامی و انتظامی مجزا از مردم همواره بعنوان ابزاری برای اعمال سلطه طبقه بورژوازی کارگران و زحمتکشان بوده است. در جمهوری دموکراتیک خلق این ارگانها ضلح میشوند و تسلیح عمومی خلقی (کارگران و زحمتکشان) و ارتش توده ای جای آنها را خواهد گرفت. و اینبار این نیروها نه چیزی جدا از مردم - بلکه خود مشکل از خلق مسلح و برای تضمین آزادی برای کارگران و زحمتکشان و اعمال قهر انقلابی علیه بورژوازی استثمارگر هرگونه تجاوز یا خطر خارجی و داخلی ضد انقلابی و امپریالیستی علیه انقلاب و جمهوری دموکراتیک و درهم کوبی تلاشهای ضد انقلاب بورژوائی بکار خواهند رفت.

۲- برجسته شدن دستگاه بوروکراتیک

از توان و نیروی کافی که همانا در میزان تشکل و سازمانیافتگی آن و همچنین آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی است، برخوردار باشد. بویژه از این رو که حصول آلترناتیو پرولتاری بر اساس روندهای آگاهانه و - نه خود بخودی ممکن است.

شرایط مشخص در حقیقت و در کلی ترین خطوط خود، سطح تکامل اقتصادی (شرط عینی) و سطح آگاهی و تشکل توده های وسیع پرولتاریا (شرط ذهنی) که ارتباطی لاینفکی با شرط عینی دارد) را شامل میشود. وضعات روحانیکه سرمایه داری با کسب گذاردن مرحله امپریالیزم به مراتب بیشتر از گذشته بشیوه سرکوب و ترور علیه پرولتاریا ی کشورهای امپریالیستی متوسل شده است، و بیکری بیوجه وجود هرگونه دموکراسی نیابند نیز در کشورهای وابسته و تحت سلطه را - تحمل نخواهد کرد بویژه در کشورهایی که با سیستم سرمایه داری وابسته (چون ایران) همواره رونمای دیکتاتوری بریان سرمایه به منظور مقابله با رشد آزاد تشکل و آگاهی کارگران و زحمتکشان برای سرکوب مبارزات آنان از طریق بورژوازی. این کشورها بعنوان پایگاه و متحد امپریالیسم جهانی، اعمال میشود و در نتیجه طبقه کارگر سوسیالیستی بطور بلاواسطه برای متحقق کردن مطالبات دموکراتیک زحمتکشان و یک رژیم دموکراتیک انقلابی و نه بطور بلاواسطه سوسیالیستی ولی در راستای آن مبارزه نماید.

۶- بدون آزادی سیاسی و وجود مبارزه طبقاتی آشکار، آزاد و وسیع، آموزش سیاسی، تعلیم و وسیع پرولتاریا بغیر قابل تصور است. از این رو مبارزه ای مصمم برای آزادی کامل سیاسی و انقلاب دموکراتیک همواره هدف پرولتاریای آگاه بوده است.

۷- با توجه به آنچه گفتیم، انقلاب ما در این مرحله، متناسب با شرایط عینی و ذهنی موجود، نمیتواند بطور بلاواسطه یک انقلاب سوسیالیستی باشد ترکیب طبقاتی نیروهای محرکه انقلاب (هرچند که پرولتاریا نیروی محرکه اصلی است) وجود طبقات و اقشار وسیع خرد و بورژواود دهقانان در کنار پرولتاریا که برای دستیابی بخواستهای دموکراتیک خویش مبارزه میکنند و ممبرتر از همه آماده نبودن شرایط ذهنی لازم برای بسیج آگاهانه و تشکل پرولتاریا برای اهدای - نهائی و جلب حسن نظر آن نسبت بده

ایده ها و اهداف بلاواسطه سوسیالیستی، و در حالیکه بخاطر همه اینها تمایز طبقاتی در روابط طبقات و وصف بندی طبقاتی لازم - جهت مقصود معمول داشتن سوسیالیزم بوجود نیامده و مبارزه عمدتاً حول مطالبات دموکراتیک صورت میگیرد که کارگران و خرد و - بورژوازی متوسط و پایین شهر و روستا را بعنوان متحدین پرولتاریا در این مرحله از انقلاب - بعره مبارزه میکنند (هرچند با انگیزه ها



آلترناتیو . . .

بقیه از صفحه ۱۲

سراسری در جامعه و در راستای فرارویی به مدیریت قرار میگیرند (درست متناسب با فرارویی انقلاب مکرانیک به سوسیالیستی). پس این اعمال کمتر که بیانگر اراده پرولتاریاست و ضایعی هم در حرکت بی وقفه به سوسیالیزم محسوب میشود یا حصول آمادگی زمینه های ذهنی یعنی وسیله حصول تائید و صفتی غنقاتی مضمونی برای فرارویی مضمون - یکتاتوری مکرانیک به دیکتاتوری پرولتاریا علاوه بر جازمانی فرا خواهد رسید که ضمن این کنترل کارگری سیاستی در ابعاد تمام جامعه مدیریت کارگری حکومت پرولتاریا فرابریود پس کنترل کارگری از طریق شوراهای کارگری نیز پیچیده - نمیتواند هدفی در خود و استاتالقی گردد - همانطور که جمهوری مکرانیک خلق نیز نمیتواند چنین باشد. آینده این کنترل کارگری مدیریت کارگری در ابعاد يك جامعه استقرار دیکتاتوری پرولتاریاست. همانگونه است که آینده جمهوری مکرانیک خلق سوسیالیزم

• آزادی برای کارگران و زحمتکشان، دیکتاتوری علیه استثمارگران :

مکراسی و آزادی نیز مانند سایر مفاهیم و مقولات اجتماع فیضی طبقاتی دارد و مکراسی ناب و آزادی برابری همگانی بی معنی و فریب بیوزوایی و خورد و بیوزوایی است. همیشه باید پرسید آزادی برای چه و برای چه طبقه ای و برای چه هدفی ؟ " سرمایه در ایران ، همواره اصطلاح " آزادی " را به مضمون آزادی ثروتمند ترشدن بر سرای ثروتمندان و آزادی گرسنگی کشیدن تاپای مرگ برای کارگران بکار برده اند " (۶) در جمهوری مکرانیک خلق ایران آزادی - برای کارگران و زحمتکشان در گسترده ترین شکل ممکن تامین میشود . بهترین ارگانسیم متحقق شدن این آزادی در شوراهای کارگران و زحمتکشان تبلور است که اراده ، حرکت و تفکر مستقل و آزاد توده هارا تامین مینمایند . این آزادی برای کارگران و زحمتکشان از سوی دیگر مترادف اعمال دیکتاتوری ، دیکتاتوری مکرانیک انقلابی کارگران و زحمتکشان بر هیری طبقه کارگر بر بیوزوایی و کلیه استثمارگران و عوامل آنها نیز میگردد .

هدف این آزادی گسترده برای کارگران و زحمتکشان ، رشد فعال و خلاق آگاهی و تشکک آنها بیوزو پرولتاریا در راستای حرکت مستمری وقفه برای متحقق کردن سوسیالیزم خواهد بود .

از سوی دیگر در حالت بد دولت

بکلی مردود بوده ولی هر کسی در جارجوب جمهوری حق دارد که دین داشته باشد یا دین نداشته باشد و در این امر آزاد است و در مورد اقلیتهای مذهبی نیز کلیتاً وحدت و وحدت الفصوحی مگرد و کلیه اتباع کشور - هم از زن و مرد و هر ملیتی و . . . از حقوق برابر برخوردار میگردند و تبعیض بر اساس نژاد ، مذعب ، جنسیت و . . . بکلی ملغی است .

۶- تامین حقوق کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان

گذشته از اینکه کلیه امور ملکت از طریق شوراهای کارگران و زحمتکشان صورت میگیرد ، در عین حال حقوق مشخص کارگران که حتماً و ابتداءً سیاستی مورد اجرا گذاشته شده رعایت گردد . چون . . . سلامت کار ، در روز تعطیل در هفته ، وضعیت اضافه کاری ، حق اعتصاب ، تضمین حق تشکیل سندیکا ها و اتحادیه های کارگری و . . . و مطالبات دیگری که تامین کننده شرایطی برای جلوگیری از تهاجمی روحی و جسمی وسط توان طبقه کارگر در مبارزه استراتژیک آن برای سوسیالیزم ضروری است و در اینجا مجال آوردن تمامی آنها نیست .

در مورد دهقانان نیز گذشته از اینکه کلیه براتع ، جنگلها و . . . ملی خواهد شد ، اراضی املاک و ابزار و وسایل تولید ملاکین زمینداران بزرگ و مینار های مذهبی و . . . ضبط و بلا قاعده در اختیار شوراهای اتحادیه های دهقانی قرار خواهد گرفت و از هر جنبش دهقانی برای صادر بارشی که ضمن انقلابی داشته و از طریق و اشعار شوراهای کمیته های دهقانی باشد ، حمایت بعمل می آید ضمن آنکه اراضی مکانیزه صرفاً بدون تقسیم شدن تحت کنترل شوراهای کارگران کشاورزی قرار خواهد گرفت . این یعنی برنامه اراضی انقلابی که حرکت مستقل توده های دهقانی بیوزو اقتضای این امر تشدید خواهد کرد و تسبیح اقتضای این پرولتاریای روستا را از بنیادهای دهقانان ضایع خواهد نمود .

در مورد ملیتهای تحت ستم نیز ، حقوق آنها در تعیین سرنوشت خویش تا سرحد جدائی بر سمیت شناخته میشود ولیکن صالح انقلاب و منافع خود این ملیتهای در اتحاد مشترک برای تشکیل يك دولت مقتدر بوده ولی این امر او بطلبانه و نه اجباری است و خود مختاری وسیع منطقه ای بر سرای ملیتهایی که کشور را تشکیل میدهند بر سمیت شناخته میشود .

بطور کلی اساس این آلترناتیو در ارتکا به حرکت و تفکر مستقل سیاسی کارگران و زحمتکشان و ابتکار عمل و مبارزه آگاهانه آنان است . این آلترناتیو ارگان قدرت بیوزوایی را منحل و در گروین کرده و بجای آن ارگانسیم را از شوراهای کارگران و زحمتکشان قرار میدهد یعنی جمهوری مکرانیک خلق ایران ، يك حکومتی از نوع کمون خواهد بود که در آن منبع

قدرت قانونی که در پارلمان مورد بحث قرار گرفته و تصویب شده باشد نبوده بلکه ابتکار مستقیم توده هار از این و اصطلاح تصرف مستقیم است . تسلیح مستقیم مردم (کارگران و زحمتکشان) که در شرایط وجود این قدرت نظام امور کشور توسط خود کارگران و خود

زحمتکشان مسلح حفظ میشود . مستخدمین دولت و دستگاه بوروکراتیک جای خود را به قدرت بلا واسطه ناشی از خود مردم متشکل در شوراهای واحد اقل تحت کنترل مخصوص آنها قرار میدهد . مقامات انتخابی با اولیون درخواست قابل تعویض خواهند بود . و خلاصه سیستم اقتصادی موجود را در گروین خواهد کرد . گذاری به سوسیالیزم محیب خواهد شد . اشکال شورائی نیز سبب آنکه پس از انقلاب کبیر اکتبر ۱۹۱۷ (خلاصت جهانی یافتند و تجربه مشخص کارگران و زحمتکشان ایران نیز به نحو ارزوی رخ نمودند بعنوان اشکالی که خصوصیات حاکمیت نوع کمون را رعایت میکنند در این جمهوری عمدتاً خواهند بود . شوراهای بهترین مکانیزم رشد مستقل آگاهی و تشکک توده هار در مبارزه انقلابی و برای سوسیالیزم فراهم خواهند آورد . در مورد مجلس موسان نیز باید گفت که پرولتاریا همواره سیاستی گامی پیش از خرد و بیوزوایی بردارد و خواستی يك گام بالاتر از آن طرح نماید . از این رو کنگره شوراهای کارگران و زحمتکشان بالاترین ارگان تصمیم گیرنده در این جمهوری خواهد بود و کمونیستها بعنوان پیشاهنگان پرولتاریا تنها در صورتی به مجلس موسان - آنهم بطور موقت - تن خواهند داد که اکثریت توده هابعلت عدم رشد کافی آگاهی و عدم کسب تجربه کافی مبارزاتی هنوز به این نهاد خوهم و خواستار تشکیل آن باشند . و در این صورت پرولتاریا تنها با خاطر نشان - دادن عدم کارائی این مجلس در تقاضای با شوراهای (کنگره شوراهای) و بقصد کمک به توده هابعلت نفی این ارگان و خلاصی آن از درون ممکن است در آن شرکت بوزند . بهر رو هم شوراران عالی تصمیم گیری کنگره شوراهای خواهد بود .

باتوجه به آنچه گفتیم جمهوری مکرانیک خلق ایران بخاطر آنکه پرولتاریا نیروی محرکه اصلی اثرات تشکیل میدهد و بدون رهبری پرولتاریا بیوزو آن غیر ممکن است و بسبب آنکه بدون يك انقلاب سیاسی مجدد به جمهوری سوسیالیستی و سوسیالیزم فرامیروید و ارگان قدرت بیوزوایی را در هم می شکنند و همچنین بخاطر اشکال مبارزاتی پرولتاریایی که برای استقرار آن بکار گرفته میشود ، در مقوله پرولتاری قرار دارد و هر چند که تنها آلترناتیو استراتژیک پرولتاریا سوسیالیزم است ولی این جمهوری خود از جهاتی که ذکر کردیم آلترناتیوی پرولتاری است یاد ر واقع آلترناتیو این مرحله پرولتاریا در مبارزه است . در این جمهوری ضامن حرکت پیشرونده سیاسی و اقتصادی بجلو فرارویی بی وقفه بیوسی سوسیالیزم در اساس

پرولتاریایه-تشیک و مسلح است که برحیثیت یک سازمان منتخب کارگران و زحمتکشان در حکومت بطور خاص و برروند جامعه در روابط طبقات بطور اعم اعمال هژمونسی خواهد کرد بجز آنکه با حرکت هر چه سریعتر بسوی سوسیالیزم روابط و توازن طبقاتی نیز در ابعاد رحال تغییر خواهد یافت و متحد بسن در پیرو محافظه کاران امروز شاید دشمنان فردای پرولتاریا تبدیل شوند و صف بندی - انقلاب و ضد انقلاب بطور اعم تار و پودن هدف نهایی دستخوش تغییر گردد .

چنین مقتضای برای جمهوری دموکراتیک خلق ایران ، یعنی آلترناتیو پرولتاری در این مرحله صلح با رزاق کونونی بسرای رسیدن به آن واستقرارش ، ویژگیهای خاصی می بخشد که عناصر این آلترناتیو را در خود جای داده است . از همین روست که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نه بهر طریق بلکه تنها از طریق انقلابی یعنی اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه بوده ای در دستور قرار گرفته و نقطه اتکا بر نیروی مستقل و انقلابی کارگران و زحمتکشان مبارز متشکل در کمیته های مخفی اعتصاب و مقاومت و ازان طریق بر نیروی اکثریت توده ها استوار خواهد بود . البته این ارگانهای سیاسی سازماندهی توده ای تنها در صورتی که تحت رهبری سوسیال دموکراتیک از طریق هسته های سرخ و واحد های سازمانی قرار گیرند خواهند توانست اهداف فوق را اجرا در آورند و نقطه شورا های (اتحادیه ها) کارگران و زحمتکشان باشند .

ضمنا بعض سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی دولت موقت انقلابی که ارگان قیام مسلح توده ای است شکل گرفته و استقرار کامل جمهوری وظایف انقلابی مربوطه رایه پیش خواهد برد و موظف است تا بلافاصله مطالبات و اقدامات حداقلی مورد تقاضای پرولتاریای ایران را (که دارای ویژگیهای خاص خود به نسبت مطالبات حداقل پرولتاریای کشورهای دیگر است) به اجرا در آورد .

* * *

مطلب برجسته و قابل تذکر و آنچه که اهمیت دارد اینست که بدانیم آلترناتیو الف (بوزوازی بزرگ سلطنت طلب) و آلترناتیو ب (شورای ملی مقاومت) وجه مشترک اساسی دارند باین ترتیب که آلترناتیو ب برخلاف آلترناتیو پرولتاریای ارگان قدرت بوزوازی ، ارتش کلاسیک ، بوروکراسی سیستم سرمایه داری وابسته و ... را حفظ میکند و از همین رو آلترناتیو ب که ادعای یک رژیم " دموکراسی " و " حکومت ملی و مردمی " دارد چنانکه نشان دادیم و درست بخاطر ترکیب طبقاتی خویش و حفظ ارکان سلطه بوزوازی به هیچ وجه یک آلترناتیو قابل تثبیت نبوده و در صورت روی کار آمدن قطعاً

آلترناتیو . . .

بقیه از صفحه ۱۳

بصورت قدرت را بکل بوزوازی و بوزوازی بزرگ ناچار است منتقل کند . یعنی " دموکراسی " داده داده شده است . آلترناتیو یک سراب و یک فریب بیش نبود و واقعیت نهایی و قابل تثبیت تنها یک رژیم دیکتاتوری سرمایه عربان خواهد بود .

این نکته در حقیقت ما را به این نتیجه مهم رهنمون میشود که اگر بخواهیم از رژیم تنها دو آلترناتیو قابل تثبیت یکسوی آلترناتیو بوزوازی بزرگ دیگری آلترناتیو پرولتاری می توانند وجود داشته باشند و آلترناتیو شورای ملی مقاومت در صورت خیزدن بقدرت بصورت به آلترناتیو اول (الف) حال به اشکال گوناگون (ونه الزام سلطنت) تبدیل خواهد شد .

شانس و وضعیت کنونی این آلترناتیو چیست؟

ما در اینجا صرفاً سعی میکنیم تا بطور خیلی فشرده و مختصر اهم عوامل و پارامترها - بی را که در پاسخ به این پرسش نقش دارند و عبارتند از :
۱- احتمال قدرت یابی این آلترناتیوها را ارائه کنیم :
الف - در مورد آلترناتیو سلطنت طلبان (کودتا و ...)

دلایلی که بر علیه آلترناتیو الف وجود دارد :

۱- تجربه چندین و چند ساله زندگی توده ها تحت استثمار و سرکوب چنین رژیمی در گذشته نزدیک و ماقبل بودن نفرت آنها از این چنین رژیم حامی سرمایه داران بزرگ ، زمین داران و اشراف بوزوا شده غارتگر به عنوان پایگاه امپریالیستها .

۲- گسترش روز افزون جنبش انقلابی توده ای و شدت یابی روحیه انقلابی و حرکت و تفکر مستقل سیاسی در کارگران و زحمتکشان .

۳- رشد جنبش انقلابی توده ها ، ناآرامی در نیروهای مسلح ، بوزوا ارتش را بعنوان پایگاه اصلی قدرت گیری این جریان بشدت افزایش خواهد داد و چند دستگی و پراکندگی صفی نیروهای مسلح را بهر زانسی بر مراتب بیشتر از آنچه که امروز نیز هست بیشتر خواهد کرد . ضربات کوبنده جنبش انقلابی و قیام ۷۲ در تضعیف گرایش سلطنت طلبی و حامی چنین آلترناتیوی چه بصورت باقی گذاشتن نوعی ترس و ابهام در اذهان پرسنل

بجه بصورت روی آوری بخود قابل توجهی از آنان به تفکر مستقل سیاسی که در جریان انقلاب توانسته و بازم خواهد توانست زمینه ساز روی آوری افسران و پرسنل جزء بسوی انقلاب باشد ، محل اتکای این آلترناتیو و کودتا باشدت تضعیف ساخته و خواهد ساخت .

۴- اختلافاتی که بهر رو بین سپاه و ارتش ، نیروهای مسلح کلاسیک سابق و ارگانهای چون سپاه و کمیته و ... وجود دارد که هر یک عمدتاً از تشریح خصوصی از بوزوازی حمایت میکنند امکان مانع سلطنت طلبان را محدود تر میکند .

زمینه ها که وجود دارد :

۱- توده ها هیچ آلترناتیو مشخصی - دیگری را مد نظر ندارند . نیروهای کمونیست و سایر انقلابیون نتوانسته اند جانشین و آلترناتیو مشخص خود را هنوز در ذهن توده ها جای دهند . توده ها هیچگاه در پروسه مبارزاتی از نظر زمانی نزدیک ، آلترناتیو انقلابی را تجربه نکرده اند (مگر به شکل نطفه ای در قالب شورا های کارگری ، کمیته ها و شورا های دهقانی بوزوا در ترن صحرای باد ریاضتی چون کردستان و ...) از همین رو اگر چه نهضات توده های زحمتکش به هیچ وجه در جهت حمایت از آلترناتیو سلطنت طلبان نیست ولیکن نفی رژیم جمهوری اسلامی جانشین رایه از همان آنهاست و نمیتواند فقط تصور باز هم نفی کننده ای (از سلطنت طلبان و کودتا) دارند . توده ها هنوز نیروهای کمونیست و انقلابی را بعنوان آلترناتیو نگاه نمیکنند .

۲- حمایت مادی ، سیاسی و تبلیغاتی امپریالیستها فاکتوری است که این آلترناتیو به تمام و کمال میتواند بر روش حساب کند .

پس :

بنابراین دلایل و عوامل فوق ، بوزوا به سبب برجسته بودن و گسترش روز افزون یک جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان ، آلترناتیو سلطنت طلبان (کودتا و ...) در این مقطع غیر محتمل بنظر میرسد و

هر چند هنوز آلترناتیو پرولتاری و انقلابی در دنیا نیست توده ها در حیات جامعه جانشین نشده ولی تجربه توده ها ، روحیه انقلابی روه افزایش آنها درست برخلاف خواست این آلترناتیو یعنی افت جنبش و طلبه بی تفاوتی سیاسی بر توده ها نفی هر دو رژیم جمهوری اسلامی سلطنت طلبان را نمود آری ساز (نمونه مشخص شعارهای مردم زحمتکش افسریه و دیگر مناطق در نفی هر دو رژیم) و هرگونه بازگشت گذشته از سوی توده ها در این مقطع نفی گشته و میگردد ، گویانکه محل اتکای سلطنت طلبان یعنی نیروهای مسلح نه تنها



هنوز آنجان قابل انکساره

نسبت بلکه چنانکه گفتیم سوى دهنه و گروهى و انفکاک و تجزیه بیشتر بر حتم رفته جنبش پیش میرود .

ب- در مورد آترناتيو ليبرال -
دمکراتیک شورای ملی مقاومت

دلایلی بر علیه این آترناتيو

۱- ائتلاف مجاهدین خلق با نسیب -
صدر بهشتین ضربات را بر این جریان وارد آورده است و وجود بنی صدر و طیف السوان لیبرالها و مدعیان دروغین دمکراسی حول این "شورا" که در اعمال جنایت و سرکوبی جنبش انقلابی توده ها، بیوز و در کردستان ترکمن صحرا، دانشگاهها و... وضربه وارد آوردن به انقلاب کوناهي نکرده اند، شدت از اعتبار سابق خود مجاهدین نیز در نزد توده ها کاسته است .

۲- برنامه های این جریان بهیچوجه پاسخگوی خواستهای واقعی کارگران و زحمتکشان و نیازهای اقتصادی - اجتماعی این مرحله از تحول جامعه و مبارزه طبقاتی نبوده و تنها شکلی نیم بند و سرودم بریده آنهاست تنها برخی از این خواستها و نیازها و عمدتاً در حد شعار و رقیق و در خود ضعیف ساخته است .

۳- حرکتیهای جد از توده و نیروی فردی و بلا تکلیف و تلاش برای تصرف قدرت از بالا و بدون اتکای به جنبش واقعا انقلابی کارگران و زحمتکشان ، هرچه بیشتر این جریان را -
نزوی ساخته و میسازد .

برخی دلایل بر له آن

۱- علیرغم ضعف های فوق ، مجاهدین خلق بعنوان يك جریان خرد ، بیوز و اسی ، سالهاست در عرصه مبارزه علیه شاه و -
همچنین علیه رژیم کمونی بود ، اند و از آنرو که درجه سازماندهی آنها نیز در حد پائینی نیست و هر چند شکل این سازماندهی منطبق با نیازهای جنبش نبوده و عمدتاً جدا از توده -
هاست ولیکن در مقایسه با جریانات دیگر انجام حداقل و موثقی به آنان جهت مانور در جریان انقلاب خواهد داد . قدرت نظامی و رژیم مجاهدین نیز تا حد زیادی میتواند بهیچنگام تکامل اشکال قهرآمیز مبارزه توده ها ، خود بخود از جذابیت و کنش

بیشتری برخوردار شود و امکان مانور به آنها بدهد . و در مجموع این امکان بکلی غیر محتمل نیست که بر ستر ضعف جنبش کمونیستی و آگاهی معدود یاعدم آگاهی توده ها این آترناتيو تحت شرایط خاص ممکن است بیچ جنبش توده ای و قیام سرشار شود و در این نسبتاً شاه سال ۵۷ و قدرت گیری وقت را بدین روشهاست .
۲- بیو حتم حزب دمکرات کردستان بعنوان يك جریان در منطقه کردستان که بنایه ماهیت طبقاتی

به این جریان طمع شده ، امکان مانور آترناتيو شورار بیشتر کرده است .

۳- حساسیت امپریالیستها و مجموعه بیوز و اسی نسبت به این آترناتيو با توجه به برنامه های بیوز و اسی - فرصتی که وعده میدهد ، کتر است .

ج - در مورد آترناتيو پرولتاری

عوامل ضعیف:

۱- ضعف جنبش کمونیستی و پروتکتدی صفوف آن و نبود حزب طبقه کارگر .

۲- کشیده شدن نمایندگان خرد -
بیوز و اسی دمکرات به سمت بیوز و اسی لیبرال بر این اساس که خرد و بیوز و اسی بهیچوجه قادر به اتخاذ يك موضع طبقاتی مستقل از پرولتاریا و بیوز و اسی نبوده و میان این دو طبقه نوسان میکند و بر ستر این تأیید بیوز و اسی و ضعف کمونیستها .

۳- توده ها هنوز در چار توهومات مذهبی هستند و نسبت به ایده های کمونیستی به سادگی موضع پذیرش نشان نمیدهند هر چند که جنایات رژیم خمینی تا بیوز و اسی در کم کردن اینگونه توهومات داشته است .

۴- کارگران و زحمتکشان ماتجر به -
شخص پایداری از یک حکومت و آترناتيو انقلابی راند داشته و هم اکنون نیز بسبب ضعف نیروهای کمونیستی و انقلابی در کم واضحی از یک آترناتيو پرولتاری ندارند .

۵- کشورهای امپریالیستی و تمامی بیوز و اسی داخلی تمام تلاششان را صرف جلودگی از قدرت گیری جنبش آترناتيو می کرده و خواهد کرد .

دلایل بر له این آترناتيو

۱- شدت بحران و نارضایتی توده ها و تداوم طولانی آن راه حلهای مینا جنبی را در نهایت نمیتواند پذیرا باشد و بخصوص که در جایی چون ایران امروز راه حل های دیگری قابل شناسایی نیست .
۲- رشد آگاهی طبقاتی و احزاب و تشکیلات آنها بهر حال به مراتب از مقطع سال ۵۷ بالاتر است . بیوز و اسی در کمونیستها و اندیشه های کمونیستی جنبش انقلابی خلق کرد ، شوراهای کارگری و دهقانی (بیوز و اسی در ترکمن صحرا) در جریان پس از قیام ۲۷ میزبانات مثبتی بر این آگاهی گذارده است .

۳- جریانات بیوز و اسی تا حد زیادی در جامعه افشا و رسوا شده اند و مجاهدین شورای ملی مقاومت نیز نتوانسته اند ، علیرغم ضعف کمونیستها و ایجابی زیادی برای خود باز کنند .

۴- روند تحولات و مبارزه حاد طبقاتی توده ها را باعث مبارزه انقلابی سوق میدهد و صحت شعارهای سوسیال دمکراتیک را به

آترناتيو...

بقیه از صفحه ۱۴

تدریج به آنها نشان میدهد و زمینه بسج شان تحول برنامه انقلابی پرولتاریائی را فراهم میسازد . انطباق مبارزات انقلابی توده ای با شعارها ، تاکتیکها و اهداف سوسیال دمکراتیک يك فاکتور مثبت مهم تلقی میگردد و سرعت بر اعتبار و قدرت کمونیستها و بریز سازمان خواهد افزود .

آیا ما بیوز خواهیم شد ؟

بعبارت صحیح تر آیا انقلاب بیوز و اسی رخ خواهد داد و آترناتيو پرولتاری در این مرحله (جمهوری دمکراتیک خلق) شکل خواهد گرفت ؟ صلح عوامل ضد دی در این امر موثر هستند و پیشگویی چگونگی تعادل قطعی این له و علیه ها در مورد این آترناتيو ممکن نیست و این مسئله تنها با بستنی ندارد . وظیفه مان نیز بهیچوجه پیشگویی بیامبر ما بانه نیست ولی در مورد اینکه برای چه هدفی باید مبارزه کنیم و توده های کارگر و زحمتکش را یک دم ست و سور هممون شوم و جای هیچگونه شک و شبیه ای نیست . -
پاسخ ما کارگران انقلابی در کارخانه ها ، به زحمتکشان شهرکها ، به دهقانان و ملیت های تحت ستم و ... که ما را در مقابل این پوستی که بغلطریجه باید قیام کنند و چه چیزی را باید حسمی کنند بدست آورند و در صورت سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی چه حکومتی را باید جایگزین سازند و مشخص است : استقرار يك دولت موقت انقلابی بعنوان ارکان قیام بیوز و اسی ها با ضمیمه دمکراتی دمکراتیک انقلابی کارگران و زحمتکشان که حداقل مطالبات پرولتاریائی آنان را میبایستی بلافاصله به اجرا گذارد و شکل گیری جمهوری دمکراتیک خلق که شوراهای کارگران و زحمتکشان به عنوان سنگ بنای آن و مکتبه شوراهای بعنوان عالی ترین مرجع تصمیم گیری است . مسلماً حصول این هدف که بنیه خود برای فراروش به سوسیالیسم صورت میگردد و مستلزم این است که ما از هم اکنون تدارک لازم را برای تصرف قدرت بدهد ، باشم و در آن زمان توده ها شعارها و اهداف خود را کترش داده باشم . باید تمامی تاکتیکها و عملکردها خود را در مبارزه امروز با ست گیری تصرف قدرت توسط کارگران و زحمتکشان منطبق و هماهنگ ساخته باشم . نمونه مبارزات توده ای که بوقوع میپیوندد (مثل نمونه افسریه) نشان میدهد که توده ها هنوز در حد نفسی رژیم کمونی و رژیم گذشته آنها نفی ای نمرید یو . نه کاملاً ست گیری شده است بهت ضامین و -
آترناتيو انقلابی و پرولتاری است میباشند و وقتی توجه و اهمیت فوق العاده زیادی که لینین برای فو المثل شعارها و مطالبات

بقیه در صفحه ۱۴

آینزنا تیبو . . . نیمه از صفحه ۱۵

کارگران پتروشیمی در ۱۹۱۲ در روسیه قاتل میشوند و اینکه این مبارزات حول شعارهای انقلابی سوسیال دموکراتیک، روزگاره ساخته، سرنوشتی حکومت تزاری و برقراری جمهوری دموکراتیک بوده، مشاهده میکنیم و میزان نفوذ شعارهای سوسیال دموکراتیک و ملیشویکی را در میان کارگران و زحمتکشان در آن هنگام با میزان نفوذ خود مقایسه میکنیم، می بینیم که ماهرگز نخواهیم توانست چیزی در دموکراتیک خلق راپسی افکیم، هرآنچه نتوانیم نقش فعال و تعیین کننده ای در جنبش لیفانچاییم. بدون مشکل تر شدن صفوف کمونیستها، بدون سازماندهی منطبق بر دوران انقلابی و - ست گیری در راستای هدف دیرینه جنبش کمونیستی ایران یعنی حزب طبقه کارگر که پیروزی قطعی انقلاب بدون حصول آن - غیر ممکن است، بدون رامن زدن به مبارزات انقلابی تحت شعارهای سوسیال دموکراتیک و سازماندهی انقلابی جنبشش نبود، ای سختی هم از پیروزی نمیتواند در میان باشد.

آیا ما پیروز خواهیم شد؟

برای پیروز شدن در یک مبارزه ابتدا باید سیاستی به امکان پیروزی ایمان داشت. چگونه میتوان در مبارزه ای خود بخود به پیروزی رسید بدون آنکه چنین ایمانی از پیش وجود داشته و سازماندهی و مبارزه در راستای این پیروزی بطور یکپارچه عمل آمده باشد. چگونه میتوان به پیروزی رسید بدون آنکه مبارزه ای که تبلیغ مدعیان کمونیستی که به عبت از شکست جنبش در حال حاضر یا حتی قطعی بودن شکست در نبرد تعیین کننده آمده سخن میرانند و آن مارکسیست - نمایان لیبرالی که بخاطر ضعف امروز ما قطب نمای خود را بر کیمه آمال خرد و بیوزوا - ها و بیوزواها تنظیم کرده، رسالت جنبش کمونیستی و پرولتاریا را نطفی کرده و بدین وسیله با کمین تیزی به ارمان پرولتاریا میخوانند (هر چند که نمیتوانند) این ضعف را بسدی سازند و با آنها که با انقلابی نمایی دواته و مستدلی خواستار حصول و استقرار فوری سوسیالیسمند، چیزی که هیچجود به بطور بلا واسطه امکان تحقق ندارد و از این رو با آنها ندان مبارزات اقشار وسیع خرد و بیوزوازی و یا حتی ارتجاعی خواندن آنها، پرولتاریا را از ضد بین خویش محروم ساخته جنبش را بدین وسیله تضعیف مینمایند.

و پرولتاریا چگونه خواهد توانست تاز این مرحله بدون رامن زدن به مبارزات انقلابی خویش و جذب خرد و بیوزوازی به سوی صفوف خود، هر چند بعنوان متحدین ناپیکر و مردد، و بیشتر یک مبارزه مشترک انقلابی را با هم و هر چند چند ای از هم از هر زفتن این نیروی مست مناف بلا واسطه در زمانه جلوه گیری نماید و یگانگی - دموکراتیک انقلابی کارگران و زحمتکشان را به رهبری خویش مستقر سازد؟ البته خدا

کردن بنی صدر از سجاهدین معادل - کشانیده شدن خرد و بیوزوازی سمیت پرولتاریا نیست. باید توجه داشت که کشانیده شدن خرد و بیوزوازی در شرایط بطور کلی و بعنوان یک تشرو طبقه سمیت پرولتاریا است که شکستن ائتلاف را محتمل میکند و نه بالعکس. و این مکن نیست مگر از طریق توسل به سازماندهی مستقل پرولتاریا و توده های انقلابی و عدنا از این طریق اعمال فشار مستر بر این ائتلاف.

هم و عمر ماکشید، شدن دهقانان و خرد و بیوزوازی شهر (اقشار پایین و متوسط) سمیت پرولتاریا است چه با رهبری مجاهدین تا انتها خواهد به شی لیبرال شد دموکراتیک باید ارماند این مهم نیست. مهم اینست که این تشرو طبقه اجتماعی سمیت پرولتاریا در عمل مشخص مبارزاتش بیاید.

آیا ما پیروز خواهیم شد؟

مسلط نفوذ مادرین توده های مبارک نایم است. ما هیچجود موفق نشده ایم کارگران و زحمتکشان را چنانکه باید به گرد برنامه انقلابی پرولتاریا جلب کنیم. ما حتی - بد تر از آن - توفیق نیافته ایم کلیه نیروهای هوادار و سمیت سازمان خود را نیز سر سامان دهیم و نیروی عظیم آنان را برای شرکت هر چه وسیعتر در مبارزات توده ای و سازماندهی آنها وسیع شان حول برنامه عمل انقلابی خویش متحقق سازیم. آری! ما از کمین تیزی و روشی ناپیم ولی بواقع خیل عظیم نیروهای که با هم اکنون وفادارند سازمان نداده ایم. نفوذ مادرین توده ها زیاد نیست. البته پیدا میشوند کسانی که خود روند تکامل و شدت یابی مبارزه طبقاتی انقلابی را در جامعه، عاملی مهم در جلب توده های وسیع برنامه انقلابی پرولتاریا تلقی می کنند، که این البته یک واقعیت مسلم است و لیکن نباید فراموش کرد، اگر در جریان توفانهای انقلاب ۵۶ و ۵۷، خمینی و شرکا، بنابه لطف امپریالیستها از گوشه و کج عزلت! بدرامده، بر هیچ جنبش انقلابی توده ها هاوار شد، و قدرت رسید، این - ائتلاف هیچگاه و هرگز برای ما رخ نخواهد داد. چرا که ما دشمنی امپریالیستها را برای خود با مبارزات و برنامه انقلابی خویش سالما است که خریدیم و اینک و اینکه قدرت یابی انقلابی و کارگران و زحمتکشان متشکل شده حول برنامه انقلابی برای اهداف انقلابی، یک روند آگاهانه است، قدرت ما و توده های انقلابی در آگاهی و حسن نظر به اهداف انقلابی و نه در نا آگاهی و بیس فرض - ها و عقب ماندگیهای ذهنی آنهاست.

ما هیچگاه و قدرت دست نخواهیم یافت هرآنچه بر آگاه کردن کارگران و زحمتکشان سمیت رهن آگاهانه مبارزات آنان حول شعارها و اهداف انقلابی خویش

توفیق نیابیم. قدرت مادر آگاهی و حرکت مستقل و انقلابی توده ها است.

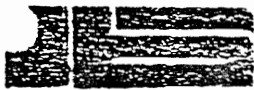
آیا ما پیروز خواهیم شد؟
ما چگونه خواهیم توانست به پیروزی برسیم و کارگران و زحمتکشان چگونه خواهند توانست تحت رهبری پرولتاریا و سوسیال دموکراتیک قدرت را تصرف کنند، اگر برای تصرف قدرت تدارک لازم دیده نشده - باشد. کارگران و زحمتکشان تحت رهبری سوسیال دموکراتهای انقلابی هیچگاه ائتلافی

قدرت نخواهند رسید. و ما چگونه خواهیم توانست پیروز شویم، هرآنچه تدارک سیاسی - نظامی قیام رانه عنوان در روند جزا بلکه در ارتباط کاملا ارگانیک و بهم پیوسته نتوانسته ایم به پیش ببریم.

آری رفقا نفوذ مادرین توده ها هنوز کم است و این وظایف و مسئولیت مادرین قیال حشر فوق العاده افزایش میدهد. اما بدویشک امکان پیروزی وجود دارد و ما باید برای آن کار کنیم:

ما هیچجود طرفدار خوشبینی غیر عقلایی نیستیم. ما هیچجود دشواری عظیم این وظیفه را فراموش نمیکنیم. ولی وقتی به مبارزه اقدام می نمائیم باید خواهان پیروزی باشیم و بتوانیم راه واقعی وصول به اثراتشان را هم - تعیین کنیم که بتواند ما را به این پیروزی برساند بدون شک وجود است راست است کفوف ما یعنی نفوذ سوسیال دموکراسی بر توده پرولتاریا هنوز خیار کم است و همسالان نفوذ انقلابی نبر توده دهقانان یکی تلخیز است، بر آنکس که می فرهنگی و سبیل پرولتاریا و بالاخص دهقانان هنوز بی اندازه عظیم است، ولی انقلاب سرعت مجتمع مینماید و سرعت از همان راروشن مبارزه، هر گامیکه انقلاب بسوی تکامل بر میدارد توده را باید از میکند و تاثیر غیر قابل دفعی او را بر طرف برنامه انقلابی یعنی یگانگی بین طبقه سوسیال دموکراسی و واقعی و حیاتی وی را منعکس میکند، می کشاند. (۷)

آری رفقا امکان پیروزی ما وجود دارد ولی این امکان ناشی از چیست؟ امکان پیروزی ما وجود دارد چرا که جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان می رود تا ابد موقت را در هم شکند و ائتلاف گسترده و برداشته ای را رقم زند، و روند تحولات به موقعیت انقلابی بیانجامد. امکان پیروزی ما وجود دارد، چرا که تجربیات انقلابی سالهای ۵۶ و ۵۷ و پس از آن اینبار به نحو چشمگیری در خدمت مبارزه توده ای قرار خواهد گرفت. امکان پیروزی ما وجود دارد چون توده ها نسبت به ماهیت سلطنت طلبان و ضد انقلاب مغلوب شناخت دارند و پیکر و عملگرند. از قلابی آنان محرز است. و بدون الترناتو در هر مدعی قدرت، یعنی شورای ملی مقاومت در طول دو سال و اندی تا حد زیادی - باهیت، بیوزوا - لیبرالی و نه انقلابی خود را آشکار کرد، و پیکر بنی صدر ها و یگانگیشان را بر این روند هست. نیمه از صفحه ۲۰



گرفته است نقش نیروهای نظامی در سرنویشت نظامی قیام بصورت بارزی مؤثر بوده است. در پیرویه اوج گیری جنبش توده ها نیروهای نظامی نیز تحت تاثیر بحران انقلابی قرار گرفته و متزلزل میشود. انقلاب به آنها نیز سرایت میکند و خود را از طریق فرار از پادگانها، سرپیچی از اوامر فرماندهان، انشقاق در صفوف نیروهای مختلف نظامی، خرابکاری تردید در اقدام به عمل و پیوستن به صف انقلاب بروز می دهند پیشاهنگ در دوران تدارک نظامی وظیفه دارد که این روند خود - انگیزه را به روندی آگاهانه، تشدید شده و در راستای منافع توده ها هدایت کند. لنین در ارزیابی قیام ۱۹۰۵ مسکو به نقش مبارزه انقلابی در حدت یابی دودلی و تردید ارتش مبارزه ای که بر مبنای این دودلی ارتش بین ارتجاع و انقلاب برای جلب ارتش انجام میگیرد اشاره کرده و می گوید: باید شهادت داشت و صریح و آشکار اعتراف کرد که ما در این مورد از دولت عقب ماندیم ما نتوانستیم از نیروهایی که در اختیار داشتیم برای همینگونه مبارزه فعالانه، شجاعانه، متکرانه و تعرض آمیزی که دولت برای جلب ارتش متزلزل بدان دست زد و از پیش برد، استفاده نمائیم. پس از این لنین بارها به مسئله نقش و اهمیت جلب ارتش در پیروزی قیام اشاره میکند و در مورد انقلاب روسیه میگوید: پیشاهنگ باید بفهمد که شرایط اساسی قیام سلحذانه بموقع یعنی قیام پیروزمندانه - در روسیه عبارتست از پشتیبانی دهقانان و مزارات از طبقه کارگر و شرکت فعال ارتش در آن. (اعتلاء انقلابی) و بالاخره بشهرکها با بهره گیری از تجارب انقلاب ۱۹۰۵ توانستند با جلب بخش از ارتش در ۱۹۱۷ انقلاب را به سرانجام برسانند.

جنبش انقلابی سال ۵۷ و قیام بیمن ماه نیز تجربه یا ارزشی از جگونی تاثیر انقلاب بر صفوف نیروهای نظامی و نیز نقش مؤثر بخش از این نیروها (عمدتا همان فرمان) در جریان قیام سلحذانه (۲۱ و ۲۲ بهمن ماه را در دسترس قرار داده است.

رزم جمهوری اسلامی با توجه به تجربه سال ۵۷ و تداوم مبارزات توده ای، در کنار نیروهای نظامی موجود (ارتش، پلیس و ...)

که دیگر سلاحهای قابل اتکا و اعتمادی نمی توانستند بحساب آیند، ارگانهای سرکوبگر جدیدی را (سپاه، کمیته، بسیج) بر مبنای تسلط ایدئولوژی اسلامی پایه ریزی کرد. فرض ایجاد آن چنان تشکیلات نظامی بود که دیگر همچون قیام بهمن ماه، تحت تاثیر تعرضات انقلاب قرار نگیرد، متزلزل نشود و تا به آخر از "حکومت الله" در زمین توسط ولی فقیه حراست نماید. اما این حسابها چندان هم دقیق نمی تواند باشد. عطرکرد قرون وسطایی این ارگانها نسبت به سرکوب توده ها و بویژه "کفار و منافقین" (کمونیستها و دمکراتهای انقلابی) در تداوم خود و با رشد جنبش انقلابی، حداقل بخشها و عناصری از آن را به زرد خود تبدیل میکند. بعلاوه سلطه ایدئولوژیک بر این ارگانها پوششی بر منافع طبقاتی این مزدوران است، آنها خود تحت تاثیر جناح بندی های حکومت قرار گرفته و دسته بندیها را در خود منعکس میازند. از اینرو آنچه که بنا بود نقطه قوت باشد خود به نقطه ضعف و علت شکنندگی بدل میشود. اما آنها بدلیل پایگاه لومینی خود در وجه غالب، وفادارتر از ارتش به ضد انقلاب حاکم خواهند بود.

بهر حال، در اینجا قصد ارائه یک تحلیل منسجم و دقیق از وضعیت نیروهای نظامی رژیم را نداریم. غرض بیان وظیفه ای است که رهبری قیام در دوران تدارک قیام نسبت به شناخت وضعیت دقیق نیروهای نظامی، نقاط قوت و ضعف، روابط بین نیروهای مختلف نظامی با یکدیگر درجات شکنندگی و امکانات جلب واحدهای مختلف به انقلابی غیره بر عهده دارد. تنها کافی نیست که در انتظار شکنندگی نیروهای نظامی تحت تاثیر تبلیغات عمومی سازمانهای انقلابی و جنبش انقلابی بود. بی تردید مبارزات توده ها و اقدامات تبلیغی - عملی سازمانهای انقلابی در نیروهای نظامی نیز سرخ می یابد اما وظایف دوران تدارک اقدامات مشخص و مستقیم در بین نیروهای نظامی را طلب میکند. از جانب پیشاهنگ پرولتاریا، تشکیل هسته های سرخ و کمیته های مخفی مقاومت در میان پرسنل انقلابی و تبلیغ و ترویج وظایف و اهداف قیام و نیز با برخورداری از حرکت عمومی پیشاهنگ در سطح جامعه

قیام و ...

بقیه از صفحه ۸

تشکیل گروه های هوادار و بالاخره اتحاد عمل با سایر نیروهای انقلابی و مبارزترین و آگاه ترین نیروهای پرسنل ارتش و غیره در جهت ایجاد هسته های مخفی مقاومت و از آن طریق حرکت در جهت جلب بخشهای بالقوه آماده نیروهای نظامی به صف انقلاب از وظایف اساسی دوران تدارک نظامی بحساب میآید.

و بالاخره در آخر باید به پایگاه های پارتیزانی در مناطق آزاد شده (در حال حاضر در کردستان) به مثابه رکنی از ارکان تدارک قیام یاد نمود. اگر فعلیت مسئله ملی در کردستان و تداوم جنبش انقلابی خلق کرد را، صرفا بنا به بحث کنونی و فقط از زاویه نظامی قیام سلحذانه سراسری هم مورد توجه قرار دهیم، نقش بس ارزشمند این جنبش را در کل تدارک قیام ملی توان مشاهده نمود. تضعیف نیروهای سرکوبگر و پراکندن نیروها از یکطرف و از طرف دیگر ایجاد امکانات تدارکاتی برای نیروهای انقلابی و ایجاد زمینه برای تربیت کادرهای نظامی قیام، از حداقل دستاوردهای جنبش انقلابی خلق کرد محسوب می شود. این جنبش عناصر مهمی را از رابطه بین جنبش سلحذانه طولانی مدت و قیام سلحذانه آشکار نموده است که با جمع بندی از دستاوردهای آن (و نیز عطف توجه به نمونه های مشابه در جنبش های انقلابی جهان) دستمایه های قیام در این مورد در اختیار پیشاهنگ و سایر نیروهای انقلابی در پیشرو جنبش توده ها قرار میدهد. البته باید توجه داشت که شکل گیری کانون های پارتیزانی فقط منوط به وجود مسائل ملی نمیشد. اگر چه وجود مسئله ملی شرایط مساعدی از جمله توده ای شدن مبارزات را امکان پذیر میسازد، اما تحت شرایط خاصی، نیروهای انقلابی در سایر نقاط نیز مبادرت به تشکیل کانون های پارتیزانی در چارچوب تدارک قیام می نمایند. نمونه ای از این کوشش ها طی دو سال گذشته در جنگهای شمال ادامه داشته است.

پاره ای از مهم ترین وظایف تدارک نظامی بقیه در صفحه ۱۸

قیام و . . . بقیه از صفحه ۱۷

قیام که در اینجا البته در حد طرح موضوع مورد بررسی قرار گرفت سنگین بار وظایفی که بر عهده پشاهنک و سایر نیروهای انقلابی در این مرحله از انقلاب قرار دارد را به روشنی آشکار میگرداند. اما حفظ خواهد بود که تصور شود در شرایط طوفانی جامعه ما همه چیز باید از صفر، گام به گام، باطمینان انجام یابد. جامعه ما اکنون بر انبار باروت ایستاده است، توده ها آماده انفجارند و تضاد های درون حاکمیت خود به نحویتی که هر دم همچون جرقه ای می تواند بر انبار باروت مبرایت کند. همه چیز مضمون سرنگونی را در خود منعکس میسازد. زمانان می خواهیم یعنی مرگ بر خمینی، ما برق می خواهیم یعنی مرگ بر خمینی . . . و مرگ بر خمینی یعنی مرگ بر رژیم

جمهوری اسلامی. این استغریاب توده ها که اوج میگرد و سراسری میشود، به نیروی مادی بدل می شود و با تکیه بر کلیه تجسرات سیاسی و نظامی خود طی شش سال گذشته متفجر میشود. اما کدام طبقه این انفجار توده ای را رهبری خواهد کرد، و با اجازه دعوت این احتمال را هم مطرح کنیم کدام طبقه بر این انفجار توده ها سوار خواهد شد؟ تاریخ پاسخ مشخص خود را خواهد داد اما ما فضل فرودشان بی مایه ای خواهیم بود اگر هر این جواب به این سؤال که از طریق اجرای وظایف امروز ما در دوران تدارک قیام محک میخورد را، موقوف به تساوت تاریخ در نظر داریم. این سری مقاله ها کوشش کردیم با توجه به شرایط خود ویژه حاکم بر جامعه و موقعیت طبقات، و با توجه به وظایف دوران تدارک سیاسی و نظامی و نقش اساسی و مسلط اپلی بر دومی، شرایط و مختصات کسب رهبری بر قیام را

در خطوط کلی خود ترسیم کنیم. رهبری انقلابی بر قیام از طریق اجرای وظایف امروز در راستای اهداف قیام رقم میخورد، اجرای وظایفی که طی آن توده ها خود رهبری را بر می گزینند. بجز این باید دید که کدام طبقه بر انفجار توده ها سوار خواهد شد؟ خرافات، سنن و عادات، پاسخ مناسبی به مسئله خواهند داد.

- منابعی برای مطالعه:
- انگلس: انقلاب و ضد انقلاب در المان.
- انگلس: مقدمه بر جنگ داخلی در فرانسه.
- مارکس: جنگ داخلی در فرانسه (کمون پاریس).
- لنین: جنگ چریکی.
- لنین: در سبهای قیام مسکو.
- لنین: مارکسیسم و قیام.
- لنین: اندرزهای کناره نشین.
- لنین: نامه به اعضا کمیته مرکزی.
- کمیترین: قیام سلحذانه.

کردستان . . .

بقیه از صفحه ۱

درس زندگی می آموزند! کجی در بریدن هانه دره بره های کومولو کارمادران شان بخت و خیز می کنند یکی از بره ها خود را بجان برش چسباند و خیسره خیره او را نگاه میکند. نویی مادرش بهترین گوشتند نیاست! دست چپ چراگاه چشند ردیف چادر، نظم کنار یکدیگر قطار شده است. هر چادر رختانواده آواره ای را در خود جای داده است. آواره ها، روستائیانسی هستند که مرغ و خروس و بوقلمون بخانسه و کاشانه خود زار هانگرد. برای فرار از زسر توب و خیماره خمینی به اینچاپناه آورده اند بچاند دسته از آنها همسایه بودیم و همسفر.

صحنه هایی را داشتند. چهار سال توب و خیماره و سب تجارب زیادی به آنها رسا آموخته است. چهار سال آوارگی و دریدی- آنها را سخت و مقاوم کرده است. همسوز مسرتو بیاض منجم شده بود. ارتش و پاسداران ارتجاع از پشت کوههای دور - دست روستا اهداف گرفته بودند. طولی کشید که سر عقب نشینی منجم شد. مردم آباری بهر آکا و غا و کوفتند ان بخت مسیر عقب نشینی هدایت شدند. زنجیری طولانی از تودک و بیرون و بیرون در پناه دره اندامه داشت که به سوی نقطه ای نامعلوم کوچ میکرد در جهت مقابل، از بلند ای صخره های پشمبران قهرمان سوی اردوگاه دشمن پیش آورده بودند. عده ای از مردان آبادی اسلحه بدست، دوش بند و ش پشمبران از صخره های بالا میروفتند تا به سمت مزدوران خمینی آتش بکشند. زنباتند ارکات پشت جیسبه را آماده میکردند و سران خرد سال آب و آن وقت می آوردند. عده ای برای کمک به زخمی هایسوی خانه - عامی شناختند، در همه خانه ها باز بود. دیکهای ماست هنوز سرد نشده بود. ظرفهای شیروی جرقه ها میجوشید و نشان تازه پخته نوی تنورهای داغ جزغاله شده بود. خروسها میخواندند و بوقلمونها بسا جوجه هایشان به غله های سبز تونک میزدند، گوئی هیچ اتفاقی نیفتاده است. برآستی که خنک طبقاتی چه عالمی دارد. آنها که ناد بیروزندگی فقیرانه خود سخت جسیبند بودند، چه راحت از آن دل میکنند. این بزرگترین و ارزشندترین درس این جنگ بود. و امروز وقتی به چادرهای این مردم زجر

کشیده آواره نگاه میکنیم، مبینیم که این دستان توانند چه محجزه گراست. اطراف چادرها دیوارهای خشت و گل یا لایه میروند، دیکهای شیر میجوشند، بچه ها شادی میکنند و خروسها میخوانند. واقعا که انگلس چه زیبا مینماید: " مردم وقتی مقاومت نشان میدهند احتمالاً شکست هم میخورند، ولی شکست افتخار آمیز میخورند و از پی خود آرزوی انتقام را در اندیشه های بازماندگان باقی میگذرانند. آرزویی که در دوران انقلابی، عالیترین عامل الهام بخش فعالیت پرشور و نیرومند میاشند. و ما امروز در دوران انقلابی کتونی شاهد فعالیت پرشور و نیرومند خلق متعکس هستیم که تجارب مقاومتها و شکستهای فراوانی را پشت سر گذارنده است. خلقی که امروز میروند تا سر نوشت خوش را به دست گیرد و بیروزهای جدیدی را تجویس کند. امروز سرزمین آزاد کردستان قهرمان رده رده، سنگره سنگریخانه خانه زسر پرورش و حشیانه آرگانهای سرکوبگر رژیم خمینی و سخت ترین آتشهای دشمن مزدوران سرمایه قرار گرفته است. اما عصر روستا که منهدم میشود، هر خانه ای که ویران میگردد و هر خانوادگی که عزادار میشود آرزوی انتقام را تقویت میکند، کینه ها را میافزاید و موج خشم انقلابی را سرریز میکند. کافی است تا بایک روستائی کرد چند گمسه صحبت کنیم، بیکی از چادرهای این مردم آواره سری بزیم تا به ایندازی برسیم. تا بفهمیم چرا بارزه تاریخی توده هاشکست ناپدید است. نقل از یکای گل شماره ۷

حقوق ملل در تعیین سر نوشت خویش حق مسلم آنهاست



هیاهوی ... بقیه از صفحه ۱

محتکرین و گرانفروشان در خواست کردند.

آغاز گر اینهمه هیاهو و شعمار هشدار نخست وزیر بود که با قضیه برنج و با اصطلاح حمله به محتکرین و گرانفروشان، کنترل دولتی و تثبیت قیمت ها را مطرح کرد و در پی آن جمع آوری طومار ها، ارسال نامه ها و پیام ها از سوی ارگانها و نهاد های انقلابی و ائمه جمعه و سخنرانهای سران رژیم راز رئیس جمهور گرفته تا رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل انقلاب و ... بود که به نشانه حمایت و پشتیبانی از سخنان نخست وزیر نیز شروع شد که با سخنان خمینی این بار در حمایت از وحدت نظر میانی ها و خط امامی ها در این قضیه شدت بیشتری گرفت و آنان هم که به کناری نشسته بودند و تنها نظاره گر هیاهو ها، با به میدان گذاشتن جملگی به اعتراض گفتند، قیمت اجناس و کالا های مورد نیاز مردم در بازار آزاد بین ۱۰ تا ۲۰ برابر نرخ دولتی است. از سود های چند میلیارد تومانی تجار برده برداشتنند. انبار محتکرین را کشف کردند. محتکرین و گرانفروشان را در ردیف ضد انقلاب خواندند که قصد ضربه زدن و بر اندازی نظام جمهوری اسلامی را دارند. پس شتر اعدام برای آنها درخواست کردند. موبالاخره دادستانی ویژه امور صنفی منحل شده را دوباره بر پا کردند. و دادستان جدید برای پست دادستانی انقلاب اسلامی ویژه امور صنفی، اما این بار با اختیارات بیشتر، انتخاب کردند که حکم اثر لازم الاجرا باشد. و او هم پس از بررسیهای لازم اعلام داشت: متوجه شدم که در قانون نظام صنفی ماده بسیار

انقلابی که گویای زمان ماست وجود دارد. مثلا در قانون محتکرین و گرانفروشان مصوب خرداد ماه ۱۳۵۳ آمده است:

هر گاه شخص حقیقی یا حقوقی که ... های مورد احتیاج و ضروری را بیش از میزان و مدت تعیین شده پنهان کند یعنی احتکار کند ... دولت می تواند علاوه بر اینکه کالايش را به نفع خود ضبط کند، در مورد کالا های ضروری درجه يك به حبس جنائی درجه يك از ۳ تا ۱۵ سال و در مورد کالا های

درجه دو، تا ۲ سال او را محکوم نماید و هر گاه مرتکب قصد و اقدام در امنیت و ایجاد تزلزل در اقتصاد عمومی کشور را کند مجازاتش تا حد اعدام است. (کیهان ۶۲/۴/۲۷)

بگذریم از اینکه رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت طبقاتی سرمایه دارانه اش، هر از گاهی قوانین شاهنشاهی را بیرون می کشد، اما بر آن پارتی انقلابی میزند تا به نیرنگ، خود را بر بنیادی انقلابی جلوه دهد، اما این بار رژیم به تلاش عبث دیگری دست زده است: متحقق کردن آنچه که دیگر قابل تحقق نیست. فریب توده ها با شعار و عبارات میان تهی. شکایت از زرد پیش رئیس رزبان بردن. آری هیاهو است و شعار.

رژیمی که طی بیش از چهار سال دست سرمایه داران را در غارت و چپاول زحمتکشان باز گذاشته و خود عامل کسود کالاها و افزایش قیمت و ایجاد بازار سیاه و احتکار بوده، رژیم که مصائب جنگ را عمدتا بر کارگران و زحمت کشان تحمیل کرده، فقر و تنگدستی بی خانمانی و آوارگی برای زحمت کشان بیار آورده اما، برای بهره کشی بیشتر، افزایش دستمزد توده های زحمتکش را در شرایط هر دم افزون قیمت ها، موجب تورم و گرانی دانسته، از فشار گرانی بر توده ها، از رنج و زحمت زحمتکشان سخن میگوید و به اعتراض علیه فقر و فلاکت توده ای برخاسته، هیاهو بر راه انداخته که بار فشار گرانی کمر زحمتکش ترین اقشار این جامعه را خم کرده و آنها را به ورطه نیستی کشانده، محتکرین و گرانفروشان را به باد ناسزا گرفته و فریاد بر آورده که محتکرین تیشه به ریشه انقلاب زنند. (کیهان ۶۲/۴/۲۰)

اما اگر اعتراض رژیم به وضعیت توده ها، ظاهری و ریاکارانه است، ولی در بعد دیگر آن، تهدید انقلاب و تبعیضات صحیحتر تهدید حکومت واقعیتی است که زویداد افسریه و رومداد های مشابه آن، زنگ خطر حرکت توده ای وسیع و خطر سقوط را سائر به گوش رژیم رسانده است. رژیم میبیند، توده ها، خشمگین از وضعیت موجود، برای رهائی از ستم و بندگی، به اعتراض و مبارزه برخاسته اند و از کوچکترین مسئله ای برای نشان دادن خشم و کین خود نسبت به ستمگران بهره میجویند. اکنون فریاد های برگ

بر خمینی، خمینی را به عزای نشانده که بر سر خمینی روی اسلامی همان خواهد آمد که بر سر رفتگان را به زبان گرفته است. پس دستگاه حکومتی تبلیغات گسترده ای را در برابر رشد روبه تزاید ناراضیاتی ها که حرکت جمعی را بدنبال دارند آغاز میکنند که مبارزه با گرانفروشی و محتکرین يك مورد آن است. اما این يك روی سکه است. رشد جنبش توده ای همرا با ناتوانی رژیم و اختلاف نظر ها در پاسخ گویی به ناراضیها، تضاد درون حاکمیت را شدت بخشیده به نحوی که شکاف میان دستگاه دولتی هر دم عمیق تر میگردد که اینک بصورت جناحی که خواهان کنترل دولتی بر تولید و توزیع هر چند تا زمانی که تولید به اندازه کافی بالا نرفته!

(کیهان ۶۲/۴/۸) و سرمایه گذاری در تولید است و جناحی که دست رد به هر گونه کنترل و نظارتی میزند، عمده گشته است که در این اختلاف البته در این مقطع و در این مورد

خاص پس از سخنان خمینی در آستانه تشکیل مجلس خبرگان که در حمایت از سخنان نخست وزیر بود و با سخنان عسکراولادی در سمینار هیئت رئیسه اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن در تبریز که ضمن آن از شرکت کنندگان خواست که برای سوق دادن پولهای سرگردان به سمت تولید تصمیماتی اتخاذ کنند، ظاهرآ وزنه به نفع آنان که خواهان کنترل و نظارت دولتی اند، سنگین شده است.

آری هیاهو است و شعار، چه دلیلی از این گویاتر که در کنار هیاهوی جریبه محتکرین (البته آنها که حق و حسابها را نبرداخته اند) به صد میلیون تومان در سال گذشته، تنها از يك قلم برنج، ۵ میلیارد تومان سود نصیب تجار میشود، چه دلیلی آشکار تر از اینکه رژیم، مبارزه با قاچاق و احتکار را در این خلاصه میکند که وزارت بازرگانی میتواند به محتکرین، متقلبین و قاچاقچیان جنس ندهد (عسکراولادی - اطلاعات ۶۲/۵/۲) و بدیهی است هر گاه لازم آمد میتواند هم بدهد. جای شان معلوم و پولشان هم کلان. همانگونه که آهن در اختیار هر استاد و خاموشی نمایندگان کثونی مجلس شورای اسلامی گذاشتند و پس از آنکه اسناد بقیه در صفحه ۲۰



سه آلترناتیو و حکومتی در مقابل رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی

بهرزوازی متوسط تجاری و
قشر فوقانی خرد و بهرزوازی
سنتی، روحانیت، پاسداران
کمیته چی ها...
جمهوری اسلامی -

بهرزوازی بزرگ، سلطنت
طلبان، پابند های فراری
ارتش، ساواکها و عمال
رژیم سابق شاه چینه
میخواهند؟
سلطنت (مشروطه)

بهرزوازی لیبرال (بنی صدر و
شرکا) بحلاوه خرد و -
بهرزوازی (اتلاف لیبرال -
دکتراتیک شورای ملی مقاومت)
چه میخواهد؟
جمهوری دمکراتیک اسلامی

کارگران آگاه و مبارز
(کمیته‌ها) چه میخواهند؟
جمهوری دمکراتیک خلق

ترکیب طبقاتی: این سیستم های حکومتی منافع چه طبقاتی را نمایند میکنند؟

بهرزوازی متوسط و اقل
فوقانی خرد و بهرزوازی سنتی
حکومت سرمایه داران با
پوشش مذهبی
دیکتاتوری علیه کارگران و -
زحمتکشان

بهرزوازی بزرگ و کلیه
استثمارگران
دیکتاتوری عریان سرمایه
داران
علیه کارگران و زحمتکشان

خرد و بهرزوازی و بهرزوازی
لیبرال
دیکتاتوری سرمایه داران
باشعار آزادی در زمین و
مذهب
علیه کارگران و زحمتکشان

کارگران و خرد و بهرزوازی
شعبه روستا (اتلاف متوسط و بیگانه)
دیکتاتوری دکراتیک انقلابی
کارگران و زحمتکشان
آزادی برای کارگران و -
زحمتکشان، دیکتاتوری علیه
سرمایه داران و همه
استثمارگران

شیوه تصرف قدرت در هر یک از این آلترناتیوها

سوار شدن بر موج جنبش با
سوء استفاده از ناآگاهی و
عدم تشکل توده ها، بند و
بسته با امرای ارتش و امیرالیزم

عمدتا کودتا یا نفوذ در
قدرت و استحاله تدریجی
آن به اتکا نیروهای مسلح

تور فردی و حرکت های جدا از
توده ها و تصرف قدرت از بالا
(بندوست احتمالی با ارتش)
بخزیدن بقدرت در خلا -
الترناتیو پیرولتری و سوار شدن
بر موج جنبش و استفاده از
ناآگاهی آنها

سازماندهی جنبش انقلابی
کارگران و زحمتکشان
کمیته های مخفی لغتصاب و
مقاومت
لغتصاب عمومی سیاسی و
قیام مسلحانه توده ای

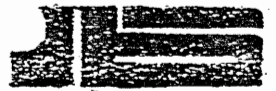
بالا ترین ارکان تصمیم گیرنده

ولی فقیه، مجلس خبرگان
انتصابی (با انتخابات
دروغین)
رئیس جمهور و مجلس شورای
اسلامی با انتخابات تقلبی
هیات دولت انتصابی

شاه و هیئت دولت و مقامات
انتصابی با امتیازات ویژه
مجلس شورای انتصابی
مجلس شورای تقلبی

مجلس با انتخابات نیمه
دکراتیک ولی بهرزوازی و
دولت لیبرال دکراتیک و
مقامات انتصابی و با
امتیازات ویژه

ککزه شورا های کارگران
و زحمتکشان در راس مقامات
انتخابی و قابل عزل آزادی
توده ها و بدون هرگونه
امتیاز ویژه



| | | | |
|--------------------|-----------------------|--------------|---------------|
| جمهوری مکرانیک خلق | جمهوری مکرانیک اسلامی | سلطنت مشروطه | جمهوری اسلامی |
|--------------------|-----------------------|--------------|---------------|

مشخصه های بارز هر یک از این سیستم های حکومتی و نقطه اتکا آنها

| | | | |
|--|--|--|--|
| انحلال ارتش کلاسیک و بوروکراسی، انحلال سپاه و کمیته و... ارتش توده ای در تسلیح عمومی خلق | ارتش کلاسیک و بوروکراسی با یک سری تعدیلات و تغییرات بوروکراتیک انحلال سپاه و کمیته | ارتش کلاسیک و بوروکراسی | حفظ ارتش کلاسیک و بوروکراسی ایجاد سپاه و کمیته و... |
| تغییرات اساسی در سیستم اقتصادی بود کارگران و زحمتکشان سمت گیری سوسیالیستی و برقراری کنترل کارگری | حفظ سیستم سرمایه داری وابسته با یکسری رفرمهای بوروکراتیک و سطحی | سیستم سرمایه داری وابسته | حفظ سیستم سرمایه داری وابسته |
| شوراهای کارگران و زحمتکشان بعنوان ارگانهای مقننه و مجریه و سایر ارگانهای ترقه ای | شورای نمایندگان بی اراده و مشورتی | سندیکاهای مزد وابسته به رژیم | شوراهای انجمن ها اسلامی راجعه به رژیم |
| دادگاه خلق | دادگاه های عادی با هیئت ضعیف | دادگاه های نظامی و عادی بیوزواتی بنفع سرمایه داران | دادگاه های شرع |
| آزادی برای کارگران و زحمتکشان | دیکتاسی بیوزواتی سرودم بریده و موقتی | نفی هرگونه دیکتاسی برای زحمتکشان | نفی هرگونه دیکتاسی برای زحمتکشان |
| انجرائی رادیکالترین مطالبات دیکرانیک توده ها از طریق شوراهای کمیته های کارگران و زحمتکشان | انجام پاره ای رفرمها و خواسته های نیم بند از طریق بوروکراتیک | حرکت در مقابل و علیه حقوق زحمتکشان | حرکت در مقابل و علیه حقوق زحمتکشان |
| خود مختاری کارگران تا سرحد جدائی و ترجیحاً یکپارچگی با وطنیانه برای ملت ها | خود مختاری نیم بند | نفی هرگونه خود مختاری برای خلقها | نفی هرگونه خود مختاری برای خلقها |
| لغو هرگونه تبعیضی بر اساس جنسیت، ملیت و نژاد مذہب | برابری و آزادی نسبی برای زنان و اقلیت های مذهبی ولی ارجحیت با اسلام | حقوق محدود برای زنان و اقلیت های مذهبی | نفی هرگونه حقی برای زنان و اقلیت های مذهبی |
| جدائی کامل مذہب از دولت | استفاده از مذہب علیه کمونیست ها و رشد آزادانه آگاهی توده ها | استفاده محدود از مذہب برای تحقیر ولی جدائی دین از دولت | بیشترین استفاده از مذہب برای تحقیر توده ها و برقراری حکومت مذهبی |

این سیستم های حکومتی چه اهدافی را دنبال میکنند؟

| | | | |
|--|--|---|--|
| برقراری بیشترین آزادیها برای کارگران و زحمتکشان و تضمین تغییر حرکت مستقل سیاسی آنها در جهت رشد آگاهی و تشکلات از طریق شوراهای واحد به همسای کارگران و زحمتکشان و اینکه طبقه کارگر آزادانه و مستمر در رأس فکری ترین زحمتکشان برای پیشبرد مبارزه کند برای سوسیالیسمی که نه فقط سرودنه شریعتند و خواسته های بورژوازی بلکه وسایل تولید در کارخانه ها به تمامی مردم زحمتکش متعلق خواهد شد | مقامات و پلیس وابسته به بورژوازی و خرید و بیوزواری آزادی استثمار کارگران و ستم بر زحمتکشان | مقامات و پلیس وابسته به بورژوازی بزرگ استثمار کارگران و زحمتکشان مردم بدون کوچکترین آزادی و حقی | آزادی برای مقامات بورجوازیت باشد اران، کمیته جی ها، نیروهای نظامی و انتظامی و حکام شرع و... برای دست زدن به هر عملی غارت کارگران و زحمتکشان توسط سرمایه داران و زمینداران و مردم ستم گویانترین آزادی و حقی |
| غیر قابل تثبیت مگر به صورت دیکتاتوری عریان سرمایه داران | دیکتاتوری عریان سرمایه داران | دیکتاتوری عریان سرمایه داران | دیکتاتوری عریان سرمایه داران |



برنج . . .

بسیاری از حقایق پشت پرده مسی گردید. آشکار میشود که مشکل برنج را به بسیاری سپرده اند: به نماینده امام و امام جمعه گیلان، به نماینده و امام جمعه رشت، به استاندار و فرماندار، به مأموران ستاد بسیج اقتصادی که حقوقشان هم می بایست از محل فروش همین برنج ها به قیمت هر کیلو ۲۰۰ ریال تا مین شود، به شورای عالی اقتصاد که نرخ را تعیین کرده و به سازمان تعاونی روستایی که خرید را و شرکت گسترش بازرگانی که توزیع را در طرح سال ۶۰ به عهده گرفته و بالاخره به وزارت بازرگانی که بنا به تصمیم شورای اقتصاد که مسائل مربوط به خرید و فروش برنج را از تابستان گذشته در اختیار گرفته است که وزیر بازرگانی هم از این پس، برنج را "شرعی اعلام کرده است. و آشکار میشود که همین شرعی دانستن برنج، از این جهت صورت گرفته که صاحبان سرمایه ارزانه بخرنلوگران بفروشند و از این رهگذر ده میلیارد تومان سود ببرند.

اینجا است که مشکل برنج، سخنان نبوی را مبنی بر مشکل حضور ۱۱ ارکان مختلف جمهوری اسلامی در کارخانه ها که مانع راه توسعه صنعتی اند، تداعی میکند: استاندار، امام جمعه، سپاه پاسداران، کمیته دادستان انقلاب اسلامی، وزارت کار، دادگاه ویژه امور کارخانه، امام جماعت کارخانه، انجمن اسلامی کارخانه و شورای اسلامی کارخانه ها.

سرگردانی برنج، اما، گذشته از تمام کیدسری های رژیم، گذشته از تمام اختلاف ها و تضاد های جناح های مختلف رژیم در اعمال قدرت از طریق ارگانها و نهاد های گوناگون، دلیل خاص خود را نیز دارد. اختلاف بر سر کنترل و نظارت دولتی بر تمامی فعالیت های اقتصادی، از جمله تولید و توزیع به منظور جذب سرمایه ها به روند تولید از یک طرف و تجارت آزاد و سیستم آزاد عرضه و تقاضا و بازگذاشتن دست تجارت و نفی کنترل دولتی، یک طرف دار و دسته عسکراولادی وزیر بازرگانی کابینه است که آزاد شده معاملات

برنج و بصیج حق العمل کارها و تجار اما با کنترل و نظارت وزارت بازرگانی را علم کرده تا محصول یکسال برنج و زحمت کشاورزان را به یغما برند یعنی با خرید محصول به نازلترین قیمت (هر کیلو ۱۸۰ ریال) و کسب داشتن آن به انبارهای تجار . . . (در همان فاصله زمانی که جاره ها برای خورج برنج آماده گشته بود.) و سپس فروش آن به قیمت هر کیلو ۴۵۰ ریال در بازار و بعد حتی ۹۳۰ ریال. طرف دیگر هم دار و دسته موسوی نخست وزیر کابینه است که پس از سپردن مشکل برنج به این و آن و عاجز ماندن از حل آن و ناتوانی در کنترل تولید و توزیع و مواجهه با صفهای طولانی نان و عدم فروش گندم و برنج از سوی روستائیان حتی با تقاضای فروش به دولت همراه با باج دادنها اما، تحت عنوان کمک های جمعی، بخواهد از یک سو تقصیر فقر و گرسنگی زحمتکشان را از خود باز نهد و از سوی دیگر با اعلام کنترل دولتی و برقراری نظم، سرمایه های هر چه بیشتری را جذب تولید نماید. پس وزیر کابینه و وزارتخانه اش را متهم به باز کردن مرزها میکند و مشکل برنج را بر اثر سیاستهای غلط وزارت بازرگانی قلمداد میکند. دعوا بالا میکشود. کار به مجلس و بر ملا کردن بیشتر حقایق توسط هواداران دو جناح در مجلس کشیده میشود. عسکر اولادی که طعمه دار است چون رویاهی حیله گر تمام کاسه و کوزه ها را بر سر شورای عالی اقتصاد میکشد. زیرا هم هیئت دولت و هم شورای عالی اقتصاد به سرپرستی نخست وزیر رای موافق به سیاست عسکر اولادی داده اند. آقا زاده وزیر مشاور که از جمله عسکر اولادی غافلگیر شده به نمایندگی دولت ضد حمله آغاز میکند و محترمانه عسکر اولادی را به دروغگویی متهم می کند و خرد و هیئت دولت را میرا از هر گونه خطا! اما! در بیرون از این دعواها بر سر برنج آنچه نصیب زحمتکشان می شود ۲ کیلو برنج سهمیه یکسال زن سالخورده روستایی کرد است که نماینده قروه بر ملا میسازد. اما نه بعنوان اعتراض به این سهمیه بندی که در تلاش اثر بر سر رای تبلیغات دروغین حضور همیشگی

مردم در صحنه (!!) و کمک های ایثار گرانه شان به جبهه ها که یادش را خروی دارند. پس از مجموعه این تضاد ها این نتیجه حاصل میشود: تلاشهای دیوانه وار رژیم برای انباشت ثروت به قیمت فحشی و گرسنگی زحمتکشان. کوشش های رژیم برای بر کردن جیب سرمایه داران با بهره کشی هر چه بیشتر زحمتکشان و به فقر و فلاکت کشاندن آنان، که نصیب زحمتکشان روستایی شالیکار هم، به جای منافع حاصله از حمايتشان، تنها اه و حسرتی است که برایشان باقی مانده است. و از این روست که معرود برنج، سرگردانی و مشکل آن نیز نمیتواند جدا از همین سیاستهای رژیم بر حمایت و حفاظت از منافع تجار و سرمایه داران دیگر باشد.

اما اگر شدت یابی تضاد های رژیم، اگر به فقر و تنگدستی کشاندن زحمتکشان برای تامین سود سرمایه داران و فزونی هر دم افزون بهره کشی از کارگران و زحمتکشان شهر و روستا و تحمیل فشار بر دوش آنان، اگر سیاست فریب و سرکوب رژیم، اگر . . . و اگر همه اینها نشانه پایان کار رژیم جمهوری اسلامی است، اما آینده از آن زحمتکشان است. اکنون دو خصم طبقاتی در مقابل یکدیگرند که هر دم شکاف میان شان عمیق تر میگردد. دو خصم که یکی برای حفظ نظم موجود و دیگری برای آزادی، برای رهایی از رنج، فقر و تنگدستی می جنگند. مبارزه کارگران و زحمتکشان که برای آفرینش نظامی نوین بیا می خیزند تا بر هر گونه روابط استثمارگرانه ای که زحمتکشان را تحقیر و به نابودی میکشد، خط بطلان کشند. تا به هر گونه سرگردانی و بی خانمانی پایان دهند. و پایان سرگردانی برنج را هم در پیوند با این مبارزه و متاثر از گرد باد های خصم طبقاتی کارگران و زحمتکشان که در این آفرین یافته است، میباشد. سکون و آرامش زمانی فرا میرسد که گرد بادها بدل به طوفانی عظیم گردند و بنا بر رژیم را بر اندازند که هم پایان بردانی رژیم است اما با نابودی اش و هم پایان سرگردانی برنج است اما با آزادی ورهائی کارگران و زحمتکشان.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

یادداشتی سیاسی

II جنایتکار کیست ؟

رژیم جمهوری اسلامی از طریق ارگانهای تبلیغاتی اش خیرازبه اصطلاح جنایتی می دهد : طی جنایتی در تهران، پدیری بعزت ناتوانی در تهیه لوازم زندگی دو فرزندش را سربرید . (کیهان ۲۳/۴/۶۲) کیهان سپس در متن خبر می نویسد : " در جنایتی فجیع وی سابقه در شهرن مطهری واقع در جنوب تهران ، در محل گور پزخانه حاج عباس ، در خانه ای ۵۰ متری با دو اتاق که وسایل داخل اطاق حکایت از تنگدستی و وضع ناسعدان میکند ، پدیری ، کارگر شرکت مخابرات شعبه خیابان اکباتان بود دختر کساله و سه ماهه خود را سربرید .
بقیه در صفحه ۱۰

III برونج سرگردان در راه

برونج دواتی یا برونج شرعی ، کد امیک ؟ برونج ماهها و سالها است که در راههای شمال سرگردان است . گاه در پرویش می بندند و دواتی اش اعلام میکنند و گاه آزاد شرعی اش میخوانند پس پروانه عبورش میدهند اما هنوز حکم " منع قانونی " خروجش خشک نشده ، باز به بندش میباشند و این بیسر و بسند ها ، منع و مجازها ادامه می یابد تا بالاخره کیهان تیترو میزند که : " نخست وزیر توزیع برونج اصمال در دست دولت خواهد بود . مرزهای گیلان و مازنداران برای خروج برونج باز نخواهد شد " (کیهان - ۱۴/۴/۶۲) و همین آغاز ماجرا و هیاهوی بسیار بر سر برونج بقیه در صفحه ۲۳

IV هشدار به دانش آموزان

اخیر از سوی برخی از مسئولین مدارس نامه هایی به دانش آموزانی که در امتحانات خرداد ماه موفق نشده اند ارسال گشته و به آنها تذکره شده اند که اگرچنانچه حاضر شرکت در امتحانات شهریور ماه نبوده و قبول شده محسوب میشوند . آنها با این تاکتیک مزورانه خود سعی دارند اینسار قربانیان جبهه جنگ ارتجاعی را از میان آورند و از انبوه محصلین مدارس برگزینند که تاکنون فریب بقیه در صفحه ۱۰

"خودکفائی" !

برده بر میدارد و صراحتاً اعلام میکند : " ما علاوه بر این اسلحه (منظور اسلحه های که پول آن از طرف ایران پرداخت شده) طلب های زیادی از امریکاداریم . قبایلهای زیادی بابت خرید کالا پرداخت شده ، حتی بعد از انقلاب مقدار زیادی ما نفت فرخته ایم که نسبتاً پولش پرداخت نشده . (کیهان - ۲۹/۴/۶۲) ، بلکه وابستگی به امریکالیستهارا چنان شدت بخشیده که تنها در عرض ۵ روز در خرداد ماه اقدام به ورود ۱۵ مورد (که مسلم بخشی از تمامی کالا های وارداتی در این مدت است) کالا های مختلف بقیمت های ریز و درشت از کشورهای امریکالیستی و از جمله امریکا و کشورهای تحت سلطه امریکالیستها کرد است .

رژیم جمهوری اسلامی ، اگر در اجرای وظیفه بازسازی نظام ضربه خورد سرمایه داری ، زمانی در جوار ضد امریکالیستی ضد امریکائی جامعه ، رابطه با امریکالیستها را انکار میکرد و امریکارابه نیرنگ دشمن اصلی اش میسرود ، و اگر زمانی بعد ، واقعیت جنگ و لاجرم تامین سلاح و قطعات یدکی مورد نیاز مجبور شد معامله با دلاللهای بین الطللی را ضمیمه تجهیزات مورد صرف جنگ قلمداد کند ، امروز در مواجهه با شدت یابی بیشتر بحران اقتصادی و ورشکستگی بی حد مالی از یک سو و از سوی دیگر در برابر تعمیق و گسترش مبارزه طبقاتی ، نه تنها نخست وزیرش از فروش نفت به امریکا

| کشور فروشنده کالا | وزارتخانه یا موسسه گیرنده کالا | مبلغ به ریال | کالاهای وارد شده |
|-------------------|---------------------------------------|--------------|--|
| امریکا | شرکت صنایع هواپیمائی ایران | ۲۸۵۹۲۷۷۷ | قطعات یدکی هواپیما (۱۴۳۰۹ قطعه) |
| ژاپن | سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران | ۱۹۱۹۶۸۳۲۴ | راد یورله (۶۰ دستگاه) |
| ژاپن | سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران | ۲۰۰۵۰۰۱۶ | لوازم انداز فکوری بروج اف (۱۰۸ عدد) |
| ایتالیا | شرکت توانیر | ۴۰۸۳۴۲۴۱ | لوازم یدکی ، بیسیم های مخابراتی |
| آلمان غربی | شرکت توانیر | ۱۳۸۰۹۴۳ | والو (۸ عدد) |
| سوئد | شرکت دوران وابسته به بانک ملی ایران | ۱۴۹۸۵۰۰ | یک سری تیغ ار ۷۸ عدد سوزن قالب سازی (بسته بندی استانبول) |
| آلمان غربی | شرکت دوران وابسته به بانک ملی ایران | ۱۵۱۸۰۰ | ۵۰ عدد فرزندوزن ۶ کیلوگرم خالص (بسته بندی در جعبه) |
| انگلستان | شرکت آلوران وابسته به بانک بیعد ایران | ۲۶۱۲۷۱ | برد الکتریک (۵ عدد) |
| آلمان غربی | وزارت راه و ترابری | ۳۴۱۵۵۰۰۰۰ | کولر کامیون (۵۰۰۰ عدد) |
| بریتانیا | شرکت صنایع هواپیمائی ایران | ۸۷۹۷۹۹ | ۹ عدد قطعات یدکی دستگاه سرد کننده |
| هنگ کنگ | شرکت صنایع هواپیمائی ایران | ۳۵۲۷۶۷ | قطعات یدکی هلیکوپتر (۱۰ قطعه) |
| ژاپن | سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران | ۸۸۷۶۷۸۷ | یک سری لوازم یدکی راد یورله |
| آلمان غربی | شرکت صنایع هواپیمائی ایران | ۱۰۹۰۹۰۲۳ | قطعات یدکی هواپیما (۱۱۵۹۰ قطعه) |
| بریتانیا | شرکت صنایع هواپیمائی ایران | ۱۱۲۱۴۸ | یک عدد برس مکانیکی دستی |
| سنگاپور | شرکت ملی نفت ایران | ۲۷۷۵۲۰۰۰۰ | ۲۸۰۰۰ تن متریک نفت گازو ۳۰۰۰ تن متریک نفت سفید |